



اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برابر اخبار رسیده فدایی خلق احمد باختری روز دوم تیر ماه توسط جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده است. احمد باختری وابسته به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) بود. او سالهای بسیاری را در سیاهچالهای جمهوری اسلامی به اسارت گذراند. سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی حکم اعدام وی را صادر کرد و سرانجام در روز شنبه گذشته علیرغم اعتراض سازمانهای مختلف سیاسی و مدافع حقوق بشر، حکم خود را به اجرا گذاشت. برابر همین اخبار دو زندانی دیگر، که متأسفانه اطلاع بیشتری از آنها در دست نیست، به همراه احمد باختری به جوخه اعدام سپرده شده‌اند. همچنین مطابق خبر حزب دمکرات کردستان ایران، کاظم میرزایی از منسوبین به این حزب، نیز در روز ۲۹ خرداد در زیر شکنجه به شهادت رسیده است. ما کشتار وحشیانه زندانیان بقیه در صفحه ۲

«گروه کارگزاران» و «ائتلاف خط امام» جبهه متحد تشکیل می‌دهند

* «مجمع حزب الله» فراکسیون گروه کارگزاران و ائتلاف خط امام در مجلس تشکیل شد.

* جامعه روحانیت مبارز حزب می‌شود و با تشکلهای همسو «جبهه» ایجاد می‌کند.

* برای تضعیف گروه کارگزاران هفته نامه «بهمن» را تعطیل کردند.

به نوشته مطبوعات دولتی، «گروه کارگزاران سازندگی» و «ائتلاف خط امام» قصد دارند علیرغم مخالفت شدید خامنه‌ای و مهدوی کنی، در مجلس فراکسیون رسمی تشکیل دهند و در بیرون از مجلس آن دسته از نیروهای وفادار به نظام جمهوری اسلامی را که با انحصار قدرت در دست جناح رسالت و خامنه‌ای مخالف هستند، در یک «جبهه متحد» متشکل سازند.

نماینده کرمان در مجلس و سرپرست سابق دفتر ریاست جمهوری، مجید انصاری، قمی و سهیلا جلودارزاده به عنوان هیأت رئیسه فراکسیون انتخاب شدند. این هیأت مسئولیت هماهنگی فعالیت نمایندگان گروه کارگزاران و ائتلاف خط امام را بر عهده دارد. عنوان فراکسیون «مجمع حزب الله» انتخاب شده است. نمایندگان جناح رسالت در مجلس خود را «حزب الله» می‌خوانند.

با تشکیل فراکسیون و حزب، خامنه‌ای و مهدوی کنی به شدت مخالف هستند. خامنه‌ای آشکارا می‌گوید تشکیل فراکسیون در مجلس «تقلید از الگوهای فاقد صلاحیت غرب» و «معنای چنددستگی در مراکز عالی نظام است». خامنه‌ای در پیام خود به نمایندگان مجلس پنجم، تشکیل فراکسیون را «دون شأن

مجلس» خوانده و تاکید کرده بود: «مجالس کشورهای غربی همچنان که از لحاظ اخلاقی سیاسی صلاحیت آن را ندارند که الگو قرار گیرند، از لحاظ ترکیب سیاسی نیز لزومی ندارد که مورد تبعیت و تقلید واقع شوند. تغییرهای چپ و راست یا اصرار بر وجود احزاب سیاسی در مجلس قانون‌گذاری و مانند اینها سوغات‌های بی‌ارزشی است که شأن مجلس شورای اسلامی بالاتر از پذیرش کورکورانه آنها است.» و حزب‌اللهی بودن در جامعه باید همچنان «میزان» و وفاداری به نظام باشد. از آن پس پیروان خامنه‌ای در مجلس بر جناح خود عنوان «حزب الله» گذاشتند و گفتند هرکس از ما نیست، علیه ما است. آنان نمایندگان گروه کارگزاران و ائتلاف خط امام را به دشنام «لیبرال» خواندند.

عزت‌اله سحابی خواستار مناظره تلویزیونی شد

* سحابی: انتساب مرکزیت و پایگاه تهاجم فرهنگی غرب به مجله ایران فردا یک اتهام است

* دکتر محمد علی اسلامی ندوشن به برنامه هويت اعتراض کرد

تا چندی پیش از تلویزیون جمهوری اسلامی روزهای جمعه ساعت ۸ شب «سریالی» پخش می‌شد زیر عنوان «هویت». در این برنامه احزاب و روشنفکران ایرانی داخل و خارج کشور که مخالف و یا منتقد رژیم هستند به عنوان «عوامل انتقال فرهنگ منحط غرب»، عامل «پیوند با فرهنگ مهاجم بیگانه»، و «کسانی که از بیگانگان کمک مالی» می‌گیرند به شدت مورد هجوم و افترا قرار گرفتند. گردانندگان برنامه «هویت» در جریان برگزاری انتخابات مجلس پنجم در چندین سریال متوالی علیه سازمان ما و نشریه «کار» لجن پراکنی کردند و تهمت زدند. گردانندگان برنامه بجای نقل گفته‌ها و نوشته‌های ما به جعل آنها پرداختند تا بر اعتبار سازمان لطمه زنند.

پاسخ بگوید. شاید بهترین راه مبارزه با این گونه تبلیغات چاپ و ارسال آنها برای مردم باشد، چرا که با این سطح از رشد جنبش آزادیخواهان هر انسانی با اندکی آگاهی می‌تواند ذات غیر دموکراتیک آنها را دریابد. در اینجا ما تنها بر روی یک نکته - که نکته مرکزی هم هست - مکتب می‌کنیم. در ساده ترین برداشت از دموکراسی، آزادی مبتنی بر رعایت قانونیت و حقوق دموکراتیک شهروندان اساس است. از یکسو حق هر انسان در برخورداری از آزادی، و از سوی دیگر وظیفه هر انسان در رعایت آزادی دیگران، این شالوده دموکراسی است. یکی از شوربختی های جامعه ما این است که فرهنگ دموکراسی، فرهنگ رعایت و قانونیت، در آن سخت ضعیف است. به همین دلیل در سطح انسانهای مدعی دفاع از دموکراسی نیز می‌توانیم شاهد نمونه های تکان دهنده‌ای از نادیده گرفتن حقوق دموکراتیک شهروندان و بی‌مراعاتی صرف باشیم. آقای سحابی بقیه در صفحه ۲

آقای سحابی و الزامات آزادیخواهی

قرار می‌دهد و به آنها اتهاماتی تند تر و بی پایه تر از آنچه رژیم به وی نسبت داده نسبت می‌دهد. او می‌نویسد: «احساس خطر نیز ایجاد می‌کند که در میان منتقدین و معترضین متمایل به حفظ نظام و برخورد مسالمت آمیز، و استقلال طلبان و وطن دوستان با معارضین معاندی که در خارج از کشور در حلقه وابستگی به قدرتهای خارجی در صدد ایجاد تاتاری بنام همبستگی ملی می‌باشند تفکیک و تمایزی بنماید. ...» خلاصه کلام وی برای دفاع از خود به رژیم می‌گوید که از خارج در خطر است و باید احساس خطر کند و برای دفع آن خطر با کسانی مانند ایشان که مدافع نظام هستند کنار بیاید.

نامبرده پارا از دایره انصاف بیرون گذاشته و به خاطر تیرئه خود با حکومت در متهم کردن بخش بزرگی از اپوزیسیون همنا شده‌اند. وی در اعتراض خود در آن نشریه گفته است: «... با ترفندهای تبلیغاتی و در واقع مغالطه‌های زیرکانه مجلسی کنفرانس مانند و گوینده‌ای را نشان می‌دهد (منظور برنامه هويت است) و سخنانی را پخش می‌کند تا بفهماند که آن گونه کنفرانسها (منظور کنفرانس برگزار شده در آلمان با شرکت چند نیروی اپوزیسیون از جمله سازمان ما است) یا فعالیتها که از طرف گروههای ضدانقلاب، با هدایت غرب در خارج از کشور در جریان است، منبع تغذیه نشریاتی چون ایران فردا هستند...»

در حالیکه موج اعتراضات نیروهای اپوزیسیون علیه خیمه شب بازی تلویزیونی جمهوری اسلامی زیر عنوان «برنامه هويت» همچنان ادامه دارد اظهارات یکی از معترضین - آقای سحابی صاحب امتیاز نشریه ایران فردا - به نوبه خود مایه اعتراض بسیاری از نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج کشور به ایشان شده است. آقای سحابی در یک نامه اعتراضی، در رابطه با اتهاماتی که در برنامه مذکور به وی و نهضت آزادی وارد شده است، ضمن دفاع از خود از جانب نهضت آزادی مدعیان را به مناظره دعوت کرده است. وی چندی پیش از این نیز طی مقاله ای در نشریه ایران فردا به برنامه تلویزیونی هويت اعتراض کرده و اتهامات گردانندگان را پاسخ داده و رد کرده است. متأسفانه ایشان ضمن دفاعیه خود در نشریه

«راست و چپ، همه باید به همبستگی برسیم»
گفتگو با پروانه فروهر
در صفحه ۷

«مشکل ما، مشکل مردسالاری است»
گفتگو با شیرین عبادی
در صفحه ۷

پاسخ سازمان مجاهدین چیست؟

در گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل از جمله در باره تحقیقات نهاد بین‌المللی پیرامون تخلفات سازمان مجاهدین خلق در رابطه با رعایت حقوق بشر خبری منعکس شده است که باعث تأسف و نگرانی نیروهای آزادیخواه کشور ما می‌گردد. در این گزارش آمده است: «سازمان عفو بین‌الملل گزارش‌های مربوط به بد رفتاری سازمان مجاهدین خلق با اعضای خود طی سال گذشته، و از جمله بازداشت و شکنجه آنها را پی‌جویی کرده است. در پاسخ، سازمان مجاهدین خلق که به شورای ملی مقاومت ایران تسلط دارد ادعای مزبور را تکذیب کرده اما از تخفیف نگرانی‌ها قاصر مانده است. عفو بین‌الملل به تحقیق پیرامون گزارش‌های مزبور ادامه می‌دهد.»

بدین ترتیب سازمان عفو بین‌الملل نیز قانع نشده است که به دادخواهی انبوهی از فعالین جدا شده از سازمان مجاهدین خلق و شکایت‌های بیشماری که از بد رفتاری این سازمان با اعضا و هواداران ناراضی آن می‌شود رسیدگی جدی بکند. این

دادگاه، مدیران پیام دانشجو و هفته‌نامه بهمین را محکوم کرد

جمهوری اسلامی، متهم کردن ریاست محترم جمهوری اسلامی به ارتباط داشتن با آمریکا، توهین به جامعه روحانیت و درج مطالبی کذب که باعث مانور رسانه‌های بیگانه شده و در خاتمه ایجاد جو ناسالم و بدبینی در جامعه گردیده است.

چشم‌الله طبرزدی، ضمن اعتراض به رئیس دادگاه گفت: «در ابتدا شما مرا محکوم کردید و ۹ پرونده علیه من تشکیل داده‌اید، ضمن آنکه من هنوز شاکیان خود را نمی‌شناسم.» و اضافه کرد: «ورود اینجانب به این بحث‌ها که باعث شکایت آقایان شده و توجه به قانون مطبوعات بوده و

در پی توقیف هفته‌نامه پیام دانشجو و هفته‌نامه بهمین، هیأت مطبوعات رژیم اسلامی، حشمت‌الله طبرزدی، مدیران این دو نشریه را به پای میز محاکمه کشاند. در نخستین جلسه محاکمه، اتهامات مدیر مسئول هفته نامه پیام دانشجو توسط قاضی دادگاه به شرح زیر اعلام گردید: «نشریه پیام دانشجو وابسته به اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویی و فارغ‌التحصیلان سراسر کشور در سال ۱۳۷۳ مجوز انتشار یافت. این هفته‌نامه از شماره ۲۰ خود تغییر روش داده و با اهانت به مسئولان مملکتی و پرده‌داری به خدمتگزاران

در این شماره
• «از ویرانگری تا سازندگی»
صفحه ۸
• تشکیل خیرنگاران و روزنامه‌نگاران ایران
صفحه ۶
• سیمای جهان معاصر را بهتر بشناسیم
محمود س
صفحه ۹

یادداشت

کدام راه مبارزه با تروریسم؟

سران هفت کشور صنعتی غرب، در نشست اخیر خود در لیون فرانسه نیز ترازند در مورد چگونگی مقابله با تروریسم به توافق برسند. در حالی که بلافاصله پس از کشته شدن ۱۹ نظامی آمریکایی در حادثه انفجار بمب در عربستان سعودی، بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا اظهار امیدواری کرده بود که این بار، همتایان اروپایی و ژاپنی‌اش با وضع تحریم‌هایی علیه ایران و لیبی موافقت کنند. وایزمن رئیس جمهوری اسرائیل نیز گفته بود حاضر است «شرط ببندد» بمب‌گذاری در عربستان، کار جمهوری اسلامی است. رهبران ژاپن و اروپا و به ویژه آلمان، از دولت آمریکا خواستند برای دخالت جمهوری اسلامی در اعمال تروریستی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، دلایل محکمه‌پسند بیاورد. از آنجا که چنین دلایل محکمه‌پسندی ظرف مدت چند روز فراهم نمی‌آید، اجلاس لیون تصمیم گرفت موضوع را به نشست وزرای خارجه هفت کشور صنعتی موکول کند تا پس از روشن شدن نتایج تحقیقات بیشتر در مورد عوامل حوادث اخیر در بحرین و عربستان، درباره نحوه برخورد به جمهوری اسلامی تصمیم بگیرند.

تاآزمای‌های اخیر در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، قبل از هر چیز ریشه‌های داخلی دارد. گرچه رژیم اسلامی به بنیادگرایان اسلامی در این کشورها بطور مستقیم و غیر مستقیم کمک می‌کند، اما قلمداد کردن جمهوری اسلامی به عنوان عامل اصلی این حوادث، چیزی جز تلاش برای انحراف اذهان از عامل اصلی، یعنی استبداد حاکم بر این کشورها نیست. در عربستان، بحرین و سایر شیخ‌نشین‌ها، حکام فاسدی زمام امور را در دست دارند که ثروت ملل منطقه را به ثمن بخش در اختیار غرب می‌گذارند و عواید آن را برای غرق کردن دربار خود در تجمّل دیوانه‌وار، باز هم به غرب برمی‌گردانند. شیعیان عربستان و بحرین که بر روی دریایی از نفت نشسته‌اند، از این ثروت خیری نمی‌بینند. قیام آنها علیه حکومت‌های فاسد، هر از چندی در مقابله با رژیم‌هایی که ابزار حکومتشان، زندان و شلاق و گردن زدن است، اشکال مسلحانه به خود می‌گیرد. هیچ دلیل محکمه‌پسندی نمی‌توان یافت که ثابت کند اگر با فشار بین‌المللی، جمهوری اسلامی ناگزیر گردد حمایت خود را از آنها قطع کند، این مخالفت نیز پایان خواهد یافت.

اما دلایل محکمه‌پسند دیگر در اثبات خصلت تروریستی جمهوری اسلامی، کم نیست. فقط دیده بصیر می‌خواهد که آنها را ببیند. مگر نه اینکه در جریان محاکمه قاتلان شاپور بختیار، ثابت شد که این جنایت به دستور سران رژیم آخوندی صورت گرفت؟ مگر نه اینکه در دادگاه برلین مسجل شده که تدارک قتل شرفکندی و همراهانش، در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی صورت گرفته است؟ مگر فرد دستگیر شده در ارتباط با قتل رضا مظلومان در پاریس، با سفارت جمهوری اسلامی در ارتباط نبوده است؟ مگر حکومت تهران همچنان از اعلام بی‌اعتبار بودن فتوای قتل سلمان رشدی طفره نمی‌رود؟

دیده بصیری را که باید این جنایات را ببیند، برق دلارهای نفتی جمهوری اسلامی کور کرده است. دولت آلمان برای نرجاندن رژیم فقها، حتی برای دستگاه قضایی خود نیز ارزشی قائل نیست و کار دادگاه میکونوس را معطل مانورهای گمراه‌کننده جمهوری اسلامی از قبیل موافقت دولت ایران با ادای شهادت دو نفر در سفارت آلمان در تهران کرده است. فرانسه که پایتختش شاهد چندین مورد عملیات تروریستی جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون ایرانی بوده است، به تهران وزیر می‌فرستد تا درباره گسترش مناسبات اقتصادی مذاکره کند. مقامات اروپایی، کوچکترین اظهارات به ظاهر آشتی‌جویانه در تهران، از قبیل اظهار امیدواری اخیر حکومت فقها به گنجایش گروه سلمان رشدی در دوره شش‌ماهه ریاست ایرلند بر اتحادیه اروپا را آنچنان بزرگ می‌کنند که انگار در سیاست‌های تهران، تحول عمده‌ای به وقوع پیوسته است. اینها همه دلیل بر این است که برای آنهایی که از روابط با یک کشور دیکتاتوری سود می‌برند، صد دلیل محکمه‌پسند، آرزو قرارداد‌های پرسود را ندارد.

بزرگترین خدمتی که می‌توان در حق یک مجرم کرد، این است که جرایم اصلی او را به فراموشی سپرد و کوشید جرمی را ثابت کرد که نقشی فرعی در آن داشته است. در حالی که آدمکشهای ایرانی جمهوری اسلامی با گذرنامه‌های دیپلماتیک ایرانی در اروپا راست‌راست راه می‌روند، برای قتل مخالفان ایرانی رژیم نقشه می‌کشند و نقشه‌ها را یکی پس از دیگری اجرا می‌کنند، و دولت‌های این کشورها با این همه دلایل محکمه‌پسند، چشم به روی این جنایات می‌بندند. این همه اصرار و اشنگتن برای وصل کردن سرنخ حوادث منطقه به جمهوری اسلامی، در عین حال یک پیام مشخص به تهران است. فتوای کلام، این است که اگر به حمایت از جریان‌ها بنیادگرا در منطقه پایان دهید، ما با شما کاری نداریم. مقامات آمریکایی بارها گفته‌اند با بنیادگرایی محصور در مرزهای ایران، مخالفتی ندارند.

راه مبارزه با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی برای اپوزیسیون ایران، نه امید بستن به اجلاس‌های سران کشورهای غربی، که تلاش هر چه بیشتر برای بسیج افکار عمومی و محافل دموکرات در جهان علیه نقض ابتدایی‌ترین حقوق مردم ایران توسط حکومت فقهائست. تنها تحت فشار افکار عمومی است که سران کشورهای اروپایی ناچار خواهند شد بدین امر تن دهند که از روابط گسترده‌شان با جمهوری اسلامی به عنوان اهرمی برای دفاع از حقوق بشر در ایران و مقابله با تروریسم دولتی آلوده‌اش استفاده شود.

آقای سحابی و الزامات آزادیخواهی

بقیه از صفحه اول نیز، که ما واقعاً مایل هستیم ادعاهای آزادیخواهانه ایشان را جدی بگیریم، در اظهارات اخیر خود نمونه دیگری از این دست را به نمایش گذاشتند. ایشان بجای اینکه از حقوق ایمن پیگیرترین بخش جنبش دموکراتیک کشور ما دفاع کنند آنها را به عنوان «خطر» می‌معرفی می‌کنند که رژیم برای مقابله با آنها و به خاطر دفع خطر آنها باید پیذیرد که میدانی هم برای فعالیت کسانی چون ایشان در نظر بگیرد. آقای سحابی با وابسته و عامل خارج و خطرناک معرفی

بقیه از صفحه اول

در باره انگیزه تشکیل جناح «حزب‌الله» در مجلس به نقل از محمدرسولنیژاد، نماینده دماوند و فیروز کوه، در مطبوعات آمده است: «ما حزب‌الله را از قبل طراحی کردیم و تشکیل دادیم تا راه لیبرالها را که راهی به درون مجلس پیدا کرده و قصد سازش با مستکبرین را داشته‌اند، سد کنیم.»

مهدوی‌کنی: هرگونه گشایش سیاسی، مرگ تدریجی است

در مخالفت با راهیابی کارگزاران و خط امامی‌ها که رسالتی‌ها آنان را «لیبرال» می‌خوانند، مهدوی‌کنی با نماینده دماوند و خامنهای رهبر حکومت اسلامی هم‌نظر است. مهدوی‌کنی آشکارا می‌گوید: ما اصراری به وجود آزادی در ایران برای پسند غرب نداریم. او معتقد است که هرگونه گشایش سیاسی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی به معنی مرگ تدریجی رژیم است. این سخنان را کئی در پایان درس‌های اخلاق خود در دانشگاه «جامعه‌الصادق» بیان داشت و به طرز فداکارانه این طرز تفکر که می‌گویند سازندگی بر عهده دولت است و تبلیغ و ترویج ارزش‌های اسلامی بر عهده روحانیون، به تندی حمله کرد و گفت: قابل قبول نیست که آقای شهردار بگوید بنده فقط پارک می‌سازم شما بروید ارزش‌ها را در جای دیگر درست کنید.

رهبر سابق جامعه روحانیت مبارز در نقد اظهارات عبدالله نوری افزود: «اخیراً بعضی از دوستان مطرح کرده‌اند کسانی که مسئولیت سازندگی دارند، بروند کار سازندگی بکنند و افراد دیگری بروند ارزش‌ها را تبلیغ کنند که این حرف، حرف آنهایی است که دین را از سیاست جدا می‌دانند.»

دو هفته پیش عبدالله نوری در دفاع از عملکرد دولت رفسنجانی و اعتراض به برخوردهای حزب‌الله با تاکید بر جدایی وظیفه مسئولانی که باید امور کشور را بگردانند، از وظیفه کسانی که باید ارزش‌های اسلامی را ترویج کنند، گفته بود: «مسئولان امور سازندگی تنها باید وظیفه خود را انجام دهند. و اگر کمبود و کاستی در ارتباط با امور معنوی وجود دارد، باید سراغ کسانی رفت که مسئولیت این امور بر دوش آنهاست، و اگر فساد در جامعه وجود داشت، نباید آن را به افرادی که در عرصه سازندگی فعال هستند، نسبت داد.»

بدون بسیج حزب‌الله پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ممکن نیست

تشکیل فراکسیون «مجمع حزب‌الله» به رهبری عبدالله نوری و تلاش گروه کارگزاران، «خط امام» و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برای ایجاد «جبهه متحد»، رسالتی‌ها را بشدت در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری نگران کرده است. رسالتی‌ها اگرچه اکثریت را در مجلس دارند، اما مطمئن نیستند که بتوانند بدون تضعیف گروه کارگزاران و ائتلاف خط

امام و بدون بسیج نیرو در درون و بیرون از مجلس «حاکمیز مهم» ریاست جمهوری را تسخیر کنند. آنها می‌دانند بدون بسیج نیرو در بیرون از مجلس قادر نیستند مردم اصفهان، تبریز، خراسان، شیراز، ایلام، زنجان و سایر مناطقی که انتخابات مجلس به تصمیم شورای نگهبان باطل شد به آسانی به پای صندوق‌های انتخابات ریاست جمهوری که باید چند ماه دیگر برگزار شود، بکشانند. عدم شرکت مردم در انتخابات میان دوره‌ای مجلس و ریاست جمهوری و یا رای مخالف آنها چیزی نیست که خامنه‌ای بخواهد و بتواند آن را نادیده بگیرد. بنابراین چاره را در آن دیده‌اند که حزب تشکیل دهند و جبهه بسازند.

جامعه روحانیت مبارز جبهه ایجاد می‌کند

روزنامه رسالت به نقل از علی‌اکبر ناطق نوری نوشته است: «اکنون زمینه مناسب فراهم شده تا تشکیلاتی همسو با جامعه روحانیت مبارز تهران، با وحدت خود، جبهه واحدی را تشکیل دهند. و جامعه روحانیت مبارز تهران به عنوان تشکیلی با سابقه باید با قدرت در صحنه حضور داشته باشد و مردم را هدایت کند.»

ناطق نوری افزود: «تشکیلهای در خط ولایت فقیه باید برای نظام، کادرسازی و برنامه ریزی کنند. فعالیت تشکیلاتی در جامعه ضروریست. گناه افراد مقدس‌آبایی که معتقدند نباید وارد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شد کمتر از گناه کسانی که به قصد خیانت وارد جامعه (جامعه روحانیت مبارز) می‌شوند، نیست.» ناطق نوری رهبر حزب‌الله اضافه نمود: «زمینه تشکیل احزاب در کشور مساعد است و کسانی که می‌گویند در حکومت ولایت فقیه نمی‌توانند فعالیت کنند، حرفشان مبنای درستی ندارد.»

در تفسیر سخنان ناطق نوری، روزنامه اخبار ۹ تیرماه نوشت: «تحولاتی که در یک سال اخیر در راه جامعه روحانیت مبارز رخ داد، این جناح را به عنوان محوری برای یک تشکل حزبی فراگیر آماده کرده است.» این روزنامه در ادامه افزود: «اتحاد تشکل همسو با جامعه روحانیت مبارز به ایجاد حزب خواهد انجامید و پیش‌بینی می‌شود پس از تعطیل حزب به جمهوری اسلامی، نخستین حزب به معنای سیاسی آن در کشور شکل خواهد گرفت. تشکیل این حزب، مسلماً راه را برای انسجام تشکیلهای دیگر هموار خواهد کرد و در این میان گروه کارگزاران شاید دومین تشکلی باشد که در راه حزب شدن گام برخواهد داشت.»

تحولاتی که روزنامه اخبار از آن سخن می‌گوید، کناره‌گیری مهدوی‌کنی از رهبری «جامعه» و تشدید اختلافات و انشعابات درون آن در آستانه انتخابات مجلس پنجم بود. کئی معتقد است که جامعه روحانیت مبارز بایستی با دوری از درگیری مستقیم سیاسی اعتبار بازمانده روحانیت را حفظ کند. او در گرماگرم درگیری‌ها از سمت خود در «جامعه» کناره گرفت و جای خود را به امامی‌کاشانی که هفته پیش به رهبری جامعه روحانیت انتخاب شد، سپرد. جامعه روحانیت مبارز تا زمانی که حزب جمهوری اسلامی به خواست خامنه‌ای و رفسنجانی و با تأیید خمینی منحل نشده بود، بر فراز نهادهای حکومتی نقش «هدایت‌گر» بر عهده داشت و با انحلال «حزب» که به قصد حفظ وحدت دورنی رژیم صورت گرفت، جامعه روحانیت مبارز عملاً به عنوان حزب جناح رسالت و یکی از طرفیهای درگیر وارد کشمکش جناح‌ها شد.

در اعتراض به عملکرد جامعه روحانیت مبارز و غیر قانونی بودن آن، عطاالله مهاجرانی مدیر مسئول نشریه بهمن هفته گذشته دو دادگاهی که برای

محاکمه و رسیدگی به شکایت «جامعه» علیه وی تشکیل شده بود، گفت: «جامعه روحانیت مبارز تهران در مراجع قانونی به ثبت نرسیده و فاقد شخصیت حقوقی است و لذا نمی‌تواند به عنوان جامعه روحانیت مبارز و با شخصیت حقوقی در پرونده مربوط به وی طرفیت داشته باشد.» به بیان دیگر «جامعه» دارای هویت حقوقی نیست که بتواند از کسی به مرجعی شکایت کند و به عنوان شاکی به دعوی آن رسیدگی شود. در دادگاه بر روی سخنان مهاجرانی چندان مکث نشد اما طرف دعوی تشخیص داد که معاون رفسنجانی و یکی از پایه‌گذاران گروه کارگزاران کجا انگشت گذاشته است. جامعه روحانیت مبارز شکایت خود را علیه مهاجرانی پس گرفت اما دادگاه او را به یک سال محرومیت از مسئولیت مطبوعاتی محکوم کرد.

عزل استاندار خراسان

استاندار خراسان به اعتبار گفته‌های ۱۴ تن از نمایندگان این استان نه جانب خامنه‌ای را داشت و نه رفسنجانی را. برای رسالتی‌ها، چنین فردی آنهم در مقام استاندار خراسان، مناسب نبود. بهشارتی وزیر کشور، مفیدی استاندار خراسان را برکنار کرد و به قصد آن که به جای وی فردی برگمارد که از هم‌اکنون اسباب پیروزی ناطق نوری را در انتخابات ریاست جمهوری فراهم سازد. خراسان بدون استاندار شد و بهشارتی توانست یک حزب‌اللهی دلخواه را جایگزین مفیدی سازد. اعتراض نمایندگان خراسان و نامه آنان به رئیس مجلس که خواستار توضیح وزیر کشور در مورد علت برکناری مفیدس مفیدی شده‌اند، تأثیری در بازگشت وی نداشت. در هیأت دولت نیز بنا به نوشته روزنامه توس چاپ مشهد، وزرا به برکناری

استاندار خراسان اعتراض کردند. بهشارتی عزل مفیدی را از اختیارات خود می‌داند اما وزرای جهاد سازندگی، پست و تلگراف، راه و ترابری معتقدند که اقدام بهشارتی غیر قانونی بوده است. مهاجرانی معاون پارلمانی و حقوقی رفسنجانی مأمور تحقیق قانونی و غیر قانونی بودن «مهتره چینی» بهشارتی شده است.

در اعتراض به هفته نامه توس که اختلافات در هیأت دولت و نامه ۱۴ تن از نمایندگان مجلس را چاپ کرده بود، عده‌ای از حزب‌اللهی‌ها مقابل دفتر این هفته‌نامه اجتماع کردند و در حمایت از ولی فقیه و وزیر کشور شعار دادند.

انصار حزب‌الله در آخرین بیانیه خود که متن آن در روزنامه اخبار ۱۲ تیرماه چاپ شد، اعلام نمود که به اعمال خشونت علیه مخالفان و ایجاد ناآرامی ادامه خواهند داد. در این بیانیه در پاسخ به کسانی که می‌خواهند اوباشی‌گری و قانون ستیزی حزب‌الله محدود شود، آمده است: «میل به رهنمون دادن همه در این مسکت، تمامی ندارد، همه به گفتن مایل‌ترند تا به شنیدن، اما خدا می‌داند که ما این عوامی را به هزار کیاست نمی‌دهیم و این غیرت را که خونتشت نامیده‌اند با هیچ آرامشی معامله نمی‌کنیم.»

دو هفته پیش فائزه هاشمی دختر رفسنجانی در اعتراض به ناآرامی‌هایی که حزب‌الله ایجاد می‌کند گفته بود: «در هر شهری یک شعبه حزب‌الله دایر شده است. من نفس کار انصار حزب‌الله را تأیید نمی‌کنم. فعالیت آنها باید در چارچوب قوانین کشور باشد.» حزب‌الله برای جامعه روحانیت مبارز همان کارکردی را دارد که برای حزب جمهوری اسلامی داشت. حزب‌الله همیشه بازوی چمق‌دار رژیم بود و بر فراز قانون.

پاسخ سازمان مجاهدین چیست؟

بقیه از صفحه اول

اینکه دیگر نیروهای کشور در راه خودسازی و بهسازی پیش بروند خرسند می‌گردد و آنرا بسود مردم و بسود خود بعنوان بخشی از این مردم می‌داند. ما به سهم خود برای مجاهدین چنین آرزویی داریم. با این همه ما می‌بیشیم که چنین تخلفاتی از سوی آن سازمان واقعیت دارد و ناچاریم متذکر بشویم که تداوم این وضع و نشان ندادن هیچگونه تمایلی برای اصلاح آن عواقب وخیمی را مترجه خود سازمان مجاهدین می‌کند. اگر ادعای رهبری سازمان مجاهدین در بارهٔ پایبندی به رعایت حقوق بشر درست است واهمه آن از بازدید مقامات و نهادهای ذصلاح بین‌المللی از پایگاههای آنها از کجا ناشی می‌شود؟ رهبری مجاهدین که خود در فشار آوردن بر حکومت برای پذیرش بازدید مقامات ذصلاح بین‌المللی پافشاری کرده و می‌کند با کدام دلایل این امکان را در اختیار همین مقامات قرار نمی‌دهد تا به دقت چگونگی برخورد مجاهدین با حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهند؟ چنین کاری نه تنها سودی برای آن سازمان در بر ندارد بلکه کار را به مراتب دشوار تر می‌کند، چرا که خود این اقدام هم نشان دیگری در تأیید اتهامات وارده به سازمان مجاهدین است ادعای رعایت حقوق بشر بدون پذیرش کامل حق نظارت نهادهای رسمی بین‌المللی ناظر بر آن یک ادعای ثابت نشده است.

در حالیکه مخفی‌ترین گوشه‌های کارنامه ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی در اندک مدتی بر همه آشکار می‌شود رهبری مجاهدین چگونه می‌تواند تصور کند که در این شرایط می‌تواند با لجاجت همهٔ کردار غیردموکراتیک خود را پنهان کند و پیروز تبلیغات، دادخواهان و منتقدین را آماج ترور معنوی قرار دهد؟ ای کاش انکار رهبری مجاهدین راست بود. خطاها و تخلفاتی از این دست، از سوی هر سازمان سیاسی که باشد در نهایت به زیان مردم و مبارزهٔ آنها در راه آزادی و داد تمام می‌شود. کسی نمی‌تواند بی‌آنکه غیر مسئول باشد خواهان در غلتیدن یک سازمان سیاسی به راه چنین خطاهایی باشد. یک سازمان جدی و مسئول همواره از

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه اول

متحدانه بیشتر برای پیشگیری از جنایات بیشتر رژیم تبهکار جمهوری اسلامی فورا مسی‌خوانیم. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۳ تیرماه ۱۳۷۵

سیاسی را شدیداً محکوم می‌کنیم و همه آزادیخواهان ایرانی و سازمانهای بین‌المللی بشردوست را به اعتراض علیه این کشتارها و حرکت

اجلاس مشورتی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با مسئولین تشکیلات خارج از کشور

به ابتکار و دعوت گروه کار خارج کشور اجلاس مشورتی شورای مرکزی با مسئولین کشورها در روزهای ۹ و ۱۰ تیر ماه (۲۹ و ۳۰ ژوئن) برگزار شد. بررسی اوضاع سیاسی، چشم‌اندازها و وظایف ما، اظهار نظر پیرامون گزارش عملکرد یکساله (میان‌دوره‌ای) شورای مرکزی، بررسی مناسبات شورای مرکزی با تشکیلات و بحث در باره منشور همکاری سه سازمان جمهوریخواه دمکرات در دستور کار اجلاس قرار داشت. اسناد مربوط به این مباحث پیشتر در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفته بود. اجلاس مباحث فوق را پی گرفت. در زمینه مناسبات بین شورای مرکزی و تشکیلات، شرکت‌کنندگان نظرات و اظهارات خود را طرح کردند. اجلاس قرار چندماده‌ای در این مورد تصویب کرد و به شورا ارائه نمود. شرکت‌کنندگان در اجلاس در بحث مربوط به «منشور همکاری» فعالانه شرکت کردند و نظرات و پیشنهادهای خود را ارائه نمودند. این پیشنهادهای در اختیار شورای مرکزی قرار گرفت تا آنها را مورد توجه قرار دهد.

نامه به دادگستری کشور هلند

ایران (اقلیت)، که پیشتر سازمان عفو بین‌الملل نسبت به جان او هشدار داده‌بود، در روز ۲۳ ژوئن اعدام شده‌است. کاظم میرزایی، از منسوبین به حزب دموکرات کردستان ایران، نیز در روز ۱۹ ژوئن در زیر شکنجه به شهادت رسیده است. پیشتر از این نیز ما شما را از اعدام اسد اخوان، از منسوبین به سازمان ما، در اواخر تابستان سال گذشته، و ۶ تن دیگر از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران مطلع کرده‌ایم.

اینها فقط چند نمونه‌اند که نتیجه‌گیری گزارش وزارت امور خارجه هلند دایر بر بهبود وضع حقوق بشر در ایران را، بعنوان یک استنتاج از واقعیت، غیرممکن می‌کنند.

ما همصدا با تمامی منابع معتبری که از اوضاع اخیر ایران گزارش داده‌اند، و چنانکه اطلاع دارید گزارش‌هایی کاملاً متفاوت با گزارش وزارت امور خارجه هلند، بازگرداندن پناهجویان ایرانی به ایران را اقدامی مسئولانه نمی‌دانیم و پرهیز دولت ایران از دادن ضمانت رسمی برای امنیت این افراد را هم تصادفی تلقی نمی‌کنیم. از شما مصلحت‌اندیش می‌خواهیم در تصمیمتان تجدید نظر کنید. نسخه‌هایی از این نامه را ما برای کمیسیون دائمی مجلس هلند در امور دادگستری، سازمان عفو بین‌الملل و کمیساری عالی سازمان ملل متحد، پناهندگان ارسال خواهیم کرد.

با احترامات فائقه
دبیرخانه س.ف.خ. (اکثریت)
علی پورتقوی

از سوی دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در ارتباط با شرایط متقاضیان پناهندگی ایرانی در کشور هلند، نامه زیر برای دادگستری این کشور ارسال شد.

به منشی دولتی در امور دادگستری هلند
۵ جولای ۱۹۹۶

خانم اشمیتز
به این وسیله مایلیم مراتب نگرانی عمیق خود را نسبت به تصمیم شما داریور بر بازگرداندن پناهجویان ایرانی که به درخواست پناهندگی‌شان در هلند پاسخ منفی داده شده است، و نیز نسبت به مندرجات آخرین گزارش وزارت امورخارجه هلند پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران مورخ اول می ۱۹۹۶، بعنوان مبنای تصمیم شما، ابراز داریم.

ما در اینجا درصدد نشان دادن همه اطلاعات نادرستی که در گزارش مذکور راه یافته‌اند نیستیم، همچنین در اینجا نقطه عریضت گزارش در تحلیل اوضاع سیاسی ایران را، که همانا «تأمین میزان قابل توجهی ثبات در اثر پیروزی رفسنجانی و طرفداران او در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس» باشد، به بحث نمی‌گذاریم. اما لازم می‌دانیم به اطلاعات برسانیم که تنها در فاصله کمتر از دو ماه پس از انتشار گزارش مذکور، حداقل ۴ زندانی سیاسی توسط جمهوری اسلامی به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند از جمله احمد باختری، از منسوبین به سازمان چریکهای فدایی خلق

برخوردی قشری و سطحی بوده است... شیدایی یا نفرت هر دو آفت‌شناخت علمی‌اند.

برای به سرانجام رساندن شتابانتر و مطمئن‌تر بحث پیرامون توسعه، پیشینه‌های یک بحث اساسی پیرامون چگونگی تمدن غرب و چگونگی نسبتی را که ما با این تمدن داریم و میبایست داشته باشیم، را می‌کنند. او علت توسعه نیافتن را در عدم حضور انسان تلاشگر و اندیشمند در عرصه سرنوشت بخاطر حکومت‌های زور و خودکامه میدانند و بدینسان «آزادی اندیشه که شرط حضور در صحنه سرنوشت و مایه اصلی رشد و پویایی است به رسمیت شناخته نشده» و ی پس از بررسی تاریخ اسلام به

و «هستی» حرف زده شده است... در این برنامه از افراد مختلفی حرف به میان می‌آید که چه‌بسا هیچ تجانسی هم‌با هم نداشته‌اند و نشریاتی در کنار هم نهاده شده‌اند که سختی با هم ندارند. خشک و تر با هم سوزانده می‌شود. ما به کم و کیف این برنامه کاری نداریم. تنها در آنچه مربوط به ماست، خاموش ماندن را گناه می‌دانیم. زیرا ممکن است کسانی باشند (هرچند کم) که این خاموشی را به «رضا» تعبیر کنند. دفاع از آبرو و از حق، از دفاع از جان و جوب کمتری ندارند.

پرونده‌سازی کیهان و حملات نویسندگان و مطبوعات مستقل یک توطئه حساب شده است. جعل اظهارات سحابی و سرهم‌بندی کردن یک سری اتهامات دروغ و نقل آنها از زبان آقای سحابی علیه نهضت آزادی یک اتساق ساده و پیش‌آمد تصادفی نیست. تهیه‌کنندگان برنامه «هویت» آگاهانه چنین افتراهایی را به سحابی نسبت داده‌اند تا به جو بدبینی و عدم اعتماد در میان نیروهای بانفوذ داخل کشور دامن بزنند و از نزدیکی آنها جلوگیری کنند. تجربه نشان داده است که در پی هر تبلیغات روزنامه جنجالی و بی‌مایه کیهان و هفته‌نامه صبح یکی از نشریات مستقل و یا یکی از نویسندگان و شخصیت‌ها هدف پورش قرار گرفته است. انتشارات مرغ آمین به دنبال تبلیغات کیهان و سخنان جنتی به دست حزب‌الله به آتش کشیده شد. مجلات تکاپو و گردون به همین روال تعطیل شدند و این بار هدف کیهان و سازندگان برنامه «هویت» مجله «ایران فردا» و دیگر نشریات مستقل است.

عزت‌اله سحابی خواستار مناظره تلویزیونی شد

نظام پارلمانی و دمکراسی و آزادی و آزادی بیان و قلم و غیره دارد، به آنجا نگاه کنیم... خودمان را با او و معیارهای او تطبیق بدهیم و مسایل داخلی کشورمان را با آن معیارها بسنجیم...»

سحابی در نامه خود به هاشمی رفسنجانی نوشته است: «ممکن است دولت نظرات سیاسی یا فرهنگی و مذهبی اینجانب را نپسندد و بخواهد نسبت به آن واکنشی نشان بدهد، اما با توجه به سابقه ۵۰ ساله فعالیت اجتماعی و فرهنگی من که دست کم بر شخص شما پوشیده نیست، انتساب مرکزیت و پایگاه تهاجم فرهنگی غرب از سوی سازمان صدا و سیما به مجله ایران فردا یک اتهام، افترا و سلب حیثیت آشکار است».

اعتراض‌نامه دیگر از دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن مدیر مسئول فصلنامه «هستی» است. اعتراض‌نامه دکتر ندوشن بیان نسامردمی‌های رژیم و خودکامگی‌های دستگاه‌های فرهنگی و قضایی آن است. در بخشی از نامه دکتر ندوشن که در روزنامه اطلاعات چاپ شده، آمده است: «در دوره ماه گذشته غروب‌جمعه برنامه‌ای در تلویزیون اجرا می‌شده که نام «هویت» بر خود دارد و طی آن لاف‌ها در سه جلسه از من

مصادیق آشکار اختلاط حق و باطل، القای شبهه و بداندیشی و نشر اکاذیب در جامعه می‌باشد... برای روشن شدن انکار عمومی و قضاوت منصفانه شنوندگان و بینندگان صدا و سیما، نهضت آزادی ایران آمادگی خود را جهت شرکت در یک مناظره تلویزیونی عادلانه و بیطرفانه در پاسخ به اتهامات غیر مسئولانه و زشت برنامه فوق‌الذکر اعلام می‌کند...»

روزنامه کیهان چاپ تهران به نقل از برنامه «هویت» از زبان عزت‌الله سحابی نوشته بود: «آقایان حسن نزیه، عباس امیرانتظام و... اگر چه جزو مؤسسان و فعالان اولیه نهضت در سال ۱۳۴۰ بودند، لیکن از سال ۱۳۴۱ صحنه را ترک کردند و در داخل و خارج کشور به دنبال مال و جاه رفتند... در این ۱۵ - ۱۶ سال برای ما به هیچ وجه روشن نبود که آقایان اصلاً چه مسیری را طی کردند و افکارشان کجا رشد یافت... برای دوستان ما هم روشن نبود که این آقایان با چه محافلی و چه خطبایی تماس دارند... کیهان از زبان سحابی در باره سیاست نهضت آزادی نوشت: «وقتی ما به مسئله استبداد خیلی اهمیت دادیم، خیلی طبیعی است که در خود ما این اثر را بگذارد که ما نسبت به غربی که حالا استبداد ندارد، به صورت کلاسیک و مشروح، مثلاً

بقیه از صفحه اول
هستند و مجازات کوچکترین «خطای» آنان، محرومیت از نوشتن، زندان، شلاق و شکنجه است. حتی شاکیان خصوصی نیز که قادر به خواندن و نوشتن نیستند می‌توانند علیه آنان شکایت کنند و از دادگاه بخواهند که مثل تکاپو و گردون درشان تخته شود و نویسنده‌شان آواره شهر و دیار غربت گردند.

برنامه «هویت» در داخل بازتاب متفاوتی در میان روشنفکران داشت. عموم آنها مخالف بودند. برخی با صدای رسا به مخالفت پرداختند و برخی به شکلی که صلاح دانستند اما بودند سیاستمدارانی که در اعتراض به این برنامه کوز راه رفتند. عزت‌الله سحابی صاحب امتیاز نشریه «ایران فردا» ابتدا در سرمقاله شماره ۲۵ این نشریه نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور را ضد انقلاب خواند و در نامه‌ای به رفسنجانی تهیه‌کنندگان برنامه «هویت» را به مناظره تلویزیونی طلبید. سحابی در نامه خود به مدیر سازمان صدا و سیما نوشت:

«در هفته‌های اخیر ملت شریف ایران شاهد بخش برنامه‌های مشکوک و بی‌هویت در سیمای جمهوری اسلامی تحت عنوان «هویت» بود که غرض ورزی و تهمت پراکنی غیر مسئولانه آن در بخش ساعات ۲۰/۳۰ جمعه ۷۵/۴/۱ بیشتر از سابق جلوه‌گر شد. این برنامه با درهم آمیختن بخشهای پراکنده‌ای از نشریات ضدانقلاب و کتابهای موسوم به «اسناد لانه جاسوسی» با مقالات و نشریات نهضت آزادی ایران و رهبران آن مجموعه‌ای ناهمگن را پیش روی بینندگان خویش قرار می‌داد که از

دادگاه، مدیران پیام دانشجو و هفته‌نامه بهمن را محکوم کرد

تشویش اذهان عمومی دانست. دادگاه او را به یک سال حبس و پنج سال محرومیت از اداره نشریه به عنوان مدیر مسئول یا صاحب امتیاز محکوم کرد. دادگاه سپس با یک درجه تخفیف در مجازات وی به دلایل سوابق حضور در جنبه‌های جنگ و عضویت او در خانواده شهید، محکومیت حبس وی را به پرداخت جریمه نقدی ده میلیون ریال به صندوق دولت تبدیل نمود. شعبه ۲۰۱ دادگاه عمومی تهران نیز اتهام عطاالله مهاجرانی، مدیر مسئول هفته‌نامه بهمن را که چاپ مقاله‌ای تحت عنوان «خطابه‌هایی از چشم‌انداز وحشت» در شماره ۹ هفته‌نامه بهمن و موضوع شکایت جامعه روحانیت مبارز تهران بود، محرز تلقی کرد و وی را متهم به تشویش اذهان عمومی دانست. مهاجرانی به پانصد هزار ریال جریمه نقدی و یکسال محرومیت از تصدی امور مطبوعاتی کشور محکوم شد.

بقیه از صفحه اول
رئیس دادگاه در مقابل سخنان طبرزدی گفت:
«شما با این کار دشمن را خوشحال کرده‌اید. اگر خلافتی را مشاهده می‌کنید به مقامهای قضایی گزارش دهید!»
حشمت‌الله طبرزدی در پاسخ به رئیس دادگاه گفت:
«پس با توجه به این جایگاه و وظیفه مطبوعات چیست؟ اصولاً افشاگری و روشنگری از مطبوعات شروع می‌شود، از جمله افشاگری اختلاس ۱۲۳ میلیاردی در بانک صادرات»، رئیس دادگاه می‌افزاید: «اما خارجی‌ها از این موضوع سوء استفاده می‌کنند». طبرزدی در پاسخ می‌گوید: «ما می‌گوییم آقایان تخلف نکنند که خارجی‌ها سوءاستفاده نمایند».
دادگاه شعبه ۳۷ دادگستری تهران بعد از سه جلسه رسیدگی به پرونده مدیر مسئول پیام دانشجو که با حضور هیئت منصفه مطبوعات صورت گرفت، وی را عامل نشر اکاذیب و

تصحیح و پوزش

در شماره پیشین نشریه برخی اشتباهات تایپی وجود داشت که با پوزش، آنها را به شرح زیر اصلاح می‌کنیم.
- در صفحه ۸، پاراگراف سوم از پایین سال ۱۳۵۶ درست است.
- در تیتراژ کوچک مطلب «زیستن با بیم و هراس» در صفحه ۶ داستانرا اشتباه و داستان‌نویس درست است.
- در خط آخر پاراگراف اول ستون دوم در همین مطلب کلمه سانسور از قلم افتاده است: «سانسور توصیف

توسعه چیست؟

غربی است و دارای مفهومی که مردمان آن سامان از این کلمه اراده میکنند و اگر مراد از توسعه همین باشد، چاره‌ای نیست جز اینکه خواستاران آن به تمدن جدید تمدن شونده، جالبتر اینکه وی یا را از این هم فراتر گذاشته و معتقد است که «اگر آن تمدن آمد، توسعه هم خواهد آمد و سخن کسانی که می‌گویند ابتدا باید خود غربی را پذیرفت تا توسعه بیاید، سخن براهی نیست. علاوه بر خود و پیش غربی باید متش غربی متناسب با این پیش را نیز گرفت».

او توسعه به معنی امروزیش را فقط نوعی و صورتی از تحول و تکامل و پیشرفت در جامعه انسانی میدانند و نه صورت منحصر به فرد آن. و با اشاره به مزیت‌های که این نوع توسعه برای بشریت داشته معتقد است که کاستیها و زیانهای هم داشته و حقیقت‌های بسیاری مورد غفلت قرار گرفته‌اند. در ادامه می‌افزاید که «نمی‌توانیم و نباید به چهارصد سال پیش برگردیم، یعنی جایی که غرب آغاز کرد و امروز به اینجا رسید. بلکه تجربه غول‌آسای غربیان پیش روی ماست... یعنی باید مزیتها و کاستی‌های این تجربه را دید و به انتخابی بهتر و مطلوب‌تر رسید». از نظر خاتمی در زندگی مردمی که بدنبال پویایی هستند هیچ گونه تحول کارسازی صورت نخواهد پذیرفت «مگر آنکه از متن تمدن غرب بگذرد و شرط دگرگونی اساسی، آشنایی با تمدن غرب و لمس روح آن یعنی «تجدد» است. کسانی که با این روح آشنا نیستند هرگز به پدید آوردن دگرگونی سودمند در زندگی خود توانا نیستند». و مجدداً تأکید میکنند که تحول اساسی تنها از طریق آشنایی با تمدن غربی ممکن است. او معترف است که «برخورد ما با غرب غالباً

اخیرا سیمانی با عنوان «توسعه و آزادی» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد خاتمی که در حال حاضر ریاست کتابخانه ملی را بعهده دارد نظریاتش را در باب توسعه در یک سخنرانی ایراد نمود. او پس از طرح این پرسش که چرا بعد از ۱۴۸ سال تاریخ‌گشایش دارلنئون تا امروز، هنوز به توسعه نرسیده‌ایم به تعریف توسعه پرداخته و می‌گوید که «توسعه هر چه باشد، نوعی تحول و دگرگونی در جامعه است و تحول، امری مطلوب است و توسعه به معنی امروزیش، تنها گونه‌ای و صورتی از تحول است». در ادامه شرایط ضروری جهت گام‌گذاشتن در راه توسعه و رسیدن به آن را بدین ترتیب برشمرد (۱- هیچ تحولی، انسانی و کارساز نخواهد بود مگر آنکه انسانها، آگاهانه و مختارانه در فرایند آن دگرگونی شرکت داشته باشند. ۲ - شرط حضور فعال و آگاهانه و مختارانه انسان در فرایند پیشرفت و تحول، وجود اندیشه و تفکر پایدار و جدی در جامعه است. ۳ - هیچ تفکر پایدار و کارساز، (به عنوان یک جریان پویا و زنده در جامعه) جز بر بستر آزادی تحقق نخواهد یافت». و پس از آن نتیجه می‌گیرد که «هیچ تحول مثبتی در هیچ جامعه‌ای نمیتوان انتظار داشت مگر آنکه آزادی مطلوب در آن جامعه حضور و استقرار داشته باشد» و در همین جا توضیح میدهد که «مراد من از آزادی، دقیقاً عبارتست از آزادی اندیشه و امنیت ابراز آن و یافتن ساز و کاری برای تأمین آن آزادی و تضمین این امنیت». او در ادامه صحبتش در مورد توسعه خاطر نشان میکند که «توسعه طوری که امروز مورد نظر است، امری

سفارت رژیم در بن سازمانده قتل رضا مظلومان

می‌دانند. پلیس فرانسه که در حکم بازداشت احمد جیحونی از او به‌عنوان «مأمور سرویس اطلاعات ایران» نام برده است، معتقد است که وی دستورات خود را مستقیماً از سفارت ایران در بن دریافت کرده است. به عقیده‌ی «اداره‌ی حفاظت قانون اساسی آلمان فدرال» که دستگاه اطلاعاتی این کشور به حساب می‌آید این سفارتخانه «رهبری کلیه‌ی عملیات مهم در اروپای غربی» را برعهده دارد. اشیپگل می‌نویسد: با اینکه حتی اداره‌ی حفاظت قانون اساسی آلمان فدرال، سفارت رژیم در بن را مرکز سرویس اطلاعات ایران دانسته است، دولت آن کشور آن را فاش نمی‌سازد و حتی اشیپگل بائر، هماهنگ‌کننده‌ی سرویس‌های اطلاعاتی آلمان گفته

هفته‌نامه‌ی معتبر اشیپگل در شماری اول ژوئیه‌ی خود رازهای جدیدی را در مورد قتل رضا مظلومان برملا کرد. به نوشته‌ی این نشریه، قتل توسط افراد حرفه‌ای صورت گرفته است و سه گلوله‌ی که به مقتول شلیک شده است هر کدام به تنهایی می‌توانسته‌اند مرگ آفرین باشند. اشیپگل ضمن ذکر دستگیری احمد جیحونی ایرانی شناخته شده‌ی که ۶۰ سال سن دارد می‌نویسد که این بازگازان ۲۰ سال است که در آلمان زندگی می‌کند و کارآگاهان فرانسوی و ژان‌لویی بروگیر قاضی تحقیق فرانسوی که مسئول پی‌گیری پرونده‌های قتل بسیاری از ترورهای مخالفان رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد، جیحونی را خربچین ملاهای حاکم بر ایران

شکایت از انصار حزب الله

دربی ایراد اتهاماتی به انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک سابق) از سوی گروه انصار حزب‌الله، انجمن یاد شده با ارسال نامه‌ای از این گروه به مقامات قضایی جمهوری اسلامی شکایت کرد. متهم نمودن یکی از اعضای انجمن به همکاری با سازمان مجاهدین خلق و ارتباط این انجمن اسلامی با نهضت آزادی و تشکیل جلسات با سران آن از جمله «اتهامات» انصار حزب‌الله به انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بوده است. انجمن در شکایت‌نامه‌ی خود ضمن تکذیب موارد فوق اعمال انصار حزب‌الله را از مصادیق بارز نشر اکاذیب، تهمت، افترا، هتک حرمت و حیثیت حقیقی و حقوقی خود دانسته، خواهان تعقیب و پیگرد قانونی آنان شده است.

تغییر قانون خدمات پزشکان و پیراپزشکان

افزایه‌ی بدون دریافت ارز دولتی در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند در صورت تأیید مدارکشان می‌توانند بدون انجام خدمات قانونی، پروانه‌ی دائم پزشکی دریافت دارند. وی افزود: در صورتی که مدارک فارغ‌التحصیلان خارج از کشور در داخل کشور تأیید نشود، آنان موظف به ادامه‌ی تحصیل در داخل کشور هستند و در صورتی که هزینه‌ی آن را خود بپردازند، مشمول این قانون نخواهند بود و معاف می‌شوند.

کلاتر معتمدی درباره‌ی قانون دستکاری گفت: پیش از تصویب این قانون، تمامی پزشکان که برای دوره‌ی تحصیسی پذیرفته می‌شوند، تعهد خدمتی معادل ۲ برابر دوره‌ی آموزشی داشتند، اما با تصویب این قانون این مدت کاهش یافته و برابر دوره‌ی آموزشی منظور شده است که این مدت برای مناطق محروم با احتساب ضرایب مربوطه خواهد بود. وی افزود: قانون‌تصحیلاتی که پیش از ۴۵ سال سن داشته باشند، براساس این قانون معافیت سنی دریافت خواهند کرد.

محتشمی را راه ندادند

علی‌اکبر محتشمی از افراد سرشناس جناح حکومتی موسوم به خط امام که به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اردبیل جهت ایراد سخنرانی به این شهر سفر کرده بود در زمان موعود با درهای بسته‌ی سالن اجتماعات و مسجد این دانشگاه مواجه شد و مجبور گردید که در محوطه‌ی چمن این دانشگاه سخنرانی کند. وی در سخنرانی خود با حمله‌ی شدید به کسانی که امکانات دانشگاه را در اختیار او گذاشته بودند و شکایت از رفتارهای مستبدانه و دیکتاتورم‌نشانده‌ی آنها اظهار داشت که آنان با اینکار آب در آسیاب دشمنان انقلاب اسلامی می‌ریزند. به نوشته‌ی نشریه‌ی مبین مسئولان دانشگاه اردبیل برای جلوگیری از حضور مهمانان خارج از دانشگاه اقدام به تفتیش آنان و دریافت مدارک از ایشان نموده‌اند.

بحران آب در کشور تشدید می‌شود

می‌دهد که به مرحله‌ی بحرانی در زمینه‌ی تأمین آب نزدیک می‌شویم. وی گفت در صورتی که مصرف به همین ترتیب ادامه یابد و مصرف سرانه به هزار مترمکعب برسد، بحران آب به‌وجود خواهد آمد. وی با اشاره به اهمیت آب در سراسر جهان گفت: در حال حاضر بهای هر بشکه آب شیرین در بازارهای جهانی ۲۰۰ دلار است که ده برابر یک بشکه نفت می‌باشد. به گفته‌ی یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در این گردهم‌آیی، براساس آخرین آمار اکنون شهروندان تهرانی روزانه ۲/۷ میلیون مترمکعب آب مصرف می‌کنند که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶ درصد افزایش نشان می‌دهد.

محمدرضا کلاتر معتمدی معاون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی هفته‌ی گذشته اعلام کرد که از اول خرداد ماه قانون جدید خدمات پزشکان و پیراپزشکان اجرا می‌شود. براساس این قانون مدت خدمت خارج از مرکز (تهران و شهرهای بزرگ) فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی از ۵ سال به ۲۴ ماه کاهش یافته است و پزشکان پس از گذشت این مدت می‌توانند پروانه‌ی دائم پزشکی دریافت کنند. در این قانون برای نقاط محروم کشور، ضریب سه پنجم در نظر گرفته شده است و به این ترتیب برای پزشکان و پیراپزشکان در مناطق محروم پس از ۱۴ ماه و ۱۴ روز، پروانه‌ی دائم صادر خواهد شد. تصویب این قانون هم‌چنین مدت خدمات ازاد دولتی هیئت علمی دانشگاه‌ها از ۵ سال به دو سال کاهش یافته است.

معاون وزارت بهداشت رژیم درباره‌ی فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی در خارج از کشور گفت:

تشدید فشار بر رفسنجانی

مسیح مهاجری مشاور رفسنجانی و مدیر مسئول روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در پی انتشار بیشتر حقایق و شایعات پیرامون رفسنجانی و سوءاستفاده‌های او و خانواده‌اش از موقعیت خود، به دفاع از رفسنجانی برخاست. مهاجری هفته‌ی گذشته اظهار داشت: «کسانی وجود دارند که تشنه‌ی قدرت هستند و با بهانه‌های واهی به جان بعضی از یاران امام و هم‌زمان شهید بهشتی افتاده‌اند و شایعات و تهمت‌ها و مطالب ناروایی را به سر زبان‌ها می‌اندازند.» وی سپس توضیح داد: «شعار درود بر سه یاور خمینی، هاشمی و دو سید حسینی را به یاد دارید. آن دستی که آن روز بهشتی را به اوج مظلومیت رساند، در این آرزوست که امروز این افراد را به مظلومیت بکشاند و اگر اجازه داده شود امروز آقای هاشمی را به مظلومیت بکشاند، فردا نوبت آن دیگر سید حسینی خواهد بود.»

غلام‌رضا منوچهری معاون وزارت نیروی جمهوری اسلامی در امور آب و فاضلاب شهری در گردهم‌آیی مشتریان پرچم آب تهران اعلام کرد که اگر رشد مصرف سالانه‌ی آب تهران در حد پنج درصد کنونی ادامه یابد تا سال ۱۴۰۰ مصرف آب تهران ۵ برابر خواهد شد.

مدیر تصفیه‌خانه و آزمایشگاه‌های شرکت آب و فاضلاب استان تهران نیز در این گردهم‌آیی اظهار داشت: میزان سرانه‌ی آب مصرفی برای هر نفر در سراسر کشور طی ۴۰ سال اخیر از ۸۸۰ مترمکعب به ۲۲۰۰ مترمکعب کاهش یافته است و این آمار نشان

خبرهای کوتاه

۶ نفر در جریان سیل آذربایجان کشته شدند

بر اثر جاری شدن سیل در قسمت‌هایی از استان آذربایجان شرقی ۶ نفر کشته شدند و بخش‌هایی از تبریز، مرند، اهر و بستان‌آباد در جریان سیل به زیر آب رفت و تعداد کثیری از مردم این نواحی ناچار به ترک منازل مسکونی خود شدند.

ناطق نوری برخورد فیزیکی را تأیید می‌کند

ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم پانزدهمین سالگرد تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی در مورد مقابله با تهاجم فرهنگی گفت: جوانان و دانشجویان از حساس‌ترین اقشار جامعه هستند و باید برای آنها برنامه‌ریزی و کار تبلیغی و فرهنگی داشته باشیم. وی تأکید کرد که برای نیل به موفقیت در این زمینه باید دست به اقدامات فرهنگی زد و برخورد فیزیکی در مرحله‌ی آخر قرار می‌گیرد.

بلیت هواپیماگران تر شد

سازمان هواپیمایی کشوری هفته‌ی گذشته اعلام کرد که از روز چهارشنبه این هفته ۲۰ تیر ماه نرخ بلیت پروازهای داخلی افزایش یافته است. میزان این افزایش از حدود ۲۰ تا ۵۰ درصد (مسیر تهران به چابهار و تهران کیش) متغیر می‌باشد.

پاسخ وزارت فرهنگ رژیم به یک ناشر

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای «کتاب فرهنگ ادبیات جهان» که از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است، اجازه‌ی انتشار صادر نکرد. ناشر این کتاب بعد از پی‌گیری‌های متعدد، جوابی بدین شرح از مقامات این وزارتخانه دریافت کرده است:

این کتاب با وضع کنونی قابل نشر نیست. بهتر آنست که کتاب «فرهنگ ادبیات جهان» نامیده شود و هدف آن نشان دادن جلوه‌های ضد معنویت و مبتذل در ادبیات جهان باشد که در آن صورت هم لازم نیست با تیراژ ۵۵۰ نسخه منتشر گردد.

جلوگیری از سخنرانی نماینده‌ی کرمان

یک گروه ۱۵ نفره از طلاب از سخنرانی سید حسن مرعشی نماینده‌ی کرمان در مجلس شورای اسلامی که به دعوت ۱۲۰ نفر از طلاب مدرسه‌ی موسوم به «کرمانی‌ها» در قم قرار بود در این مدرسه سخنرانی کند، جلوگیری کردند. گفته می‌شود که این افراد از خارج از مدرسه سازماندهی شده بودند. پس از این حادثه، مرعشی در خانه‌ی یکی از اعضای هیئت مدیره‌ی این مدرسه به سخنرانی پرداخت. فهیم کرمانی مدیر سابق این مدرسه عدم توفیق کاندیداهای جامعه‌ی روحانیت مبارز در کرمان را که با فعالیت‌های انتخاباتی منتخبین فعلی مردم کرمان مرتبط است از دلایل عمده‌ی وقوع این مسئله دانست.

ناخرسندی «صبح» از کنفرانس زنان در پکن

روزنامه‌ی صبح می‌نویسد حاصل نهانی شرکت ایران در کنفرانس پکن، پذیرش «کنوانسیون رفع تبعیض» است که روح کلی و بسیاری از مواد آن در تضاد آشکار با اصول و احکام مسلم اسلام است. «صبح» ناخشنودی خود را از این‌که در این کنوانسیون اختلاف زن و مرد در همه‌ی امور از جمله تفاوت در ارث‌بری، دیه، حق طلاق تقیح شده است، پنهان نمی‌کند و این موارد و عدم ضرورت تمکین زن در برابر شوهر را منافی احکام اسلام می‌داند.

۶۵ میلیون شناسنامه صادر شده است

رئیس سازمان ثبت احوال جمهوری اسلامی اعلام کرد که از زمان طرح تعویض شناسنامه‌ها تاکنون ۶۵ میلیون جلد شناسنامه‌ی جمهوری اسلامی صادر شده است. وی همچنین اظهار داشت که اطلاعات مربوط به ۸۳ میلیون ایرانی، اعم از فوت کرده و زنده (در داخل و خارج کشور) در قالب طرح مکانیزه‌ی اطلاعات جمع‌آوری و ثبت شده است. علی‌اکبر رحمانی در عین حال گفت که در سال‌های اخیر ۴۴۳ هزار نفر ایرانی در خارج از کشور متولد شده‌اند.

مخالفت با توسعه‌ی کمی دانشگاه آزاد

معاون فرهنگی، حقوقی و امور مجلس وزارت فرهنگ و آموزش عالی گفت: برای کنترل و عدم افزایش نامطلوب دانشجو در دانشگاه آزاد، کارهایی صورت گرفته است و مسئولان آن دانشگاه باید در بهبود کیفیت دانشگاه آزاد تلاش کنند و از توسعه‌ی کمی آن جلوگیری کنند.

توسعه‌ی صنعت و ایرانیان خارج از کشور

نعمت‌زاده وزیر صنایع رژیم در چهارمین گردهم‌آیی مدیران کل صنایع استان‌ها و مسئولان وزارت صنایع گفت: یکی از برنامه‌هایی که در جهت تقویت و رشد صنعت باید مورد توجه قرار گیرد استفاده از منابع خارج از کشور است و در حال حاضر سرمایه‌های زیادی را ایرانیان خارج از کشور در اختیار دارند که اگر بتوانیم برای ورود این سرمایه و توانمندی ایرانیان برنامه‌ریزی کنیم، کمک بزرگی به رشد صنعت خواهد شد.

آمار ترورهای رژیم در خارج کشور

در جزوه‌ی که اخیراً از جانب کمیته‌ی مشترک حقوق بشر احزاب بریتانیا در پارلمان آن کشور انتشار یافته، آمده است که در ۱۷ سال گذشته عوامل رژیم در ۲۱ کشور جهان بیش از ۱۵۰ بار به جان مخالفان خود سوءقصد کرده‌اند که در نتیجه‌ی آن ۳۵ تن از آنان کشته یا زخمی شده‌اند.

آمریکا ۱۰۱ میلیون دلار غرامت پرداخت کرد

پرداخت غرامت را تکمیل و با مدارک مربوط به دفتر تحت سرپرستی وی تسلیم نمایند. قرار است نیمی از غرامت اختصاص یافته به هر قربانی، براساس مقررات ارث در ایران بین ورثه تقسیم شود و نیم دیگر آن به طور مساوی بین کلیه‌ی ورثه تقسیم گردد. میزان غرامت اختصاص یافته به بازماندگان هر یک از قربانیانی که یکسال قبل از شهادت حقوق‌بگیر بوده‌اند ۳۰۰ هزار دلار و برای کسانی که حقوق‌بگیر نبوده‌اند ۱۵۰ هزار دلار تعیین شده است.

همچنین قرار است که دولت آمریکا مبلغ ۴۰ میلیون دلار بابت خسارت بدنه‌ی هواپیما به رژیم جمهوری اسلامی پرداخت کند.

افتخار جهرمی سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی نهاد ریاست جمهوری رژیم اعلام کرد که با دریافت ۶۱/۸ میلیون دلار از آمریکا، کار پرداخت غرامت به ورثه‌ی قربانیان فاجعه‌ی سرنوشتی هواپیمایی مسافری ایرباس که توسط ناو نیروی دریایی ارتش آمریکا ساقط شده بود، آغاز شده و این مبلغ اکنون به حساب مشترکی به نام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و فدرال رزرو در یونیون بانک سوئیس واریز گردیده است.

به گفته‌ی افتخار جهرمی تاکنون مدارک ورثه‌ی ۷۰ نفر از قربانیان این فاجعه تکمیل و به سفارت سوئیس ارسال شده است و قرار است که باقی ورثه‌ی قربانیان نیز فرم آگهی

کار

را بر روی شبکه جهانی اینترنت

Internet

بخاوید

نشریه‌کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند صفحات آخرین شماره‌ی نشریه، مقالات برگزیده‌ی شماره‌های پیشین نشریه، استاد کنگره‌های سازمان و هم‌چنین مطالب بولتن انگلیسی News & Views را در WWW، زیر آدرس: <http://193.80.248.16/iran.kar.fadai.aksariyat/> مشاهده فرمایند.

مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گردسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

عملکرد برنامه اول، چشم انداز برنامه دوم

دکتر حسین رفیعی

- سال ۵۷ تعداد میلیارد درهای ایران ۱۶ نفر بودند. در سال ۶۹ تعداد میلیارد درها به صدها نفر رسیدند
- نقدینگی بخش خصوصی که ۶ برابر بودجه عمومی دولت است تنها در دست ۳ هزار خانواده است
- در سال ۶۸، ۵٪ افراد جامعه ۹۰٪ در اختیار داشتند. اخیراً (سال ۷۴) اعلام شد که ۳٪ جمعیت کشور ۷۰٪ نقدینگی را در اختیار دارند
- در حالیکه تولید ناخالص داخلی در سال ۷۰ به میزان سال ۵۵ بود، تعداد شاغلان از ۸/۷ میلیون نفر در سال ۵۵ به ۱۳ میلیون نفر در سال ۷۰ رسید
- در بخش های تولیدی اقتصاد کشور ضریب اشتغال از ۶۷/۵٪ پس از ۱۵ سال به ۴۸/۲٪ کاهش یافته است

به گفته آقای باهنر اگر برای ۲ میلیون نفری که سالانه وارد بازار کار می شوند فقط یک میلیون شغل ایجاد کنیم، هر شغل به طور متوسط نیاز به ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان سرمایه گذاری دارد. براین اساس جهت ایجاد اشتغال برای یک میلیون خانواده جدید سالانه بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری لازم است. چیزی که عملی نخواهد بود. لازم است بدانیم که در بهترین سالهای قبل از انقلاب بین ۲۰۰ تا ۳۲۰ هزار شغل ایجاد شده است.

بخش پژوهش و مشاوره شرکت سرمایه گذاری سازمان صنایع ملی گزارشی منتشر کرده است که سرمایه لازم برای ایجاد یک مورد شغل نسبتاً بادوام در سطح کلان برای سال ۷۲ مبلغ یک میلیون تومان برآورد می شود. احتمالاً اختلاف رقم این تحقیق با رقم اعلام شده توسط آقای باهنر، افزایش هزینه های سرمایه گذاری بین سالهای ۷۲ و ۷۴ می تواند باشد.

مسئله دیگر کاهش ضریب اشتغال در بخش تولید کشاورزی، صنعت و معدن است که در بخش کشاورزی از ۳۴٪ در سال ۵۵ به ۲۲/۶٪ در سال ۷۰ و در بخش صنعت و معدن از ۳۳/۵٪ در سال ۵۵ به ۲۵/۶٪ در سال ۷۰ رسیده است. یعنی در بخش تولیدکننده ضریب اشتغال از ۶۷/۵٪ پس از ۱۵ سال به ۴۸/۲٪ کاهش یافته است.

ارقام تازه های از بدهی های خارجی

در گزارش تحقیق و تفحص از عملکرد برخی دستگاه های دولتی که در روزهای پایانی عمر مجلس چهارم در مجلس طرح و در برخی از روزنامه های وابسته به حکومت نیز انتشار یافت، آماري از بدهی های خارجی ارائه شده که با ارقام اعلام شده قبلی مسئولان دولتی متفاوت است. براساس این گزارش حکومت اسلامی تنها تا پایان سال ۷۱، ۳۷/۴ میلیارد دلار بدهی خارجی روی دست مردم گذاشته است. این رقم در پایان سال ۷۳ به ۴۳ میلیارد دلار بالغ می شود. پیش از این حداکثر میزان بدهی خارجی از سوی برخی از مسئولان و آنها به طور تلویحی حدود ۳۰ میلیارد دلار اعلام شده بود.

جدول زیر میزان بدهی ها در ۶ سال را نشان می دهد.

پایان سال	بدهی به میلیارد دلار
۱۳۶۸	۱۹/۲
۱۳۶۹	۲۸/۵
۱۳۷۰	۳۳/۵
۱۳۷۱	۳۷/۱
۱۳۷۲	۳۹/۲
۱۳۷۳	۴۳/۰

میلیون واحد اعلام می کند اختلاف دارد. هر کدام از این دو آمار را که قبول کنیم امیدواری وزیر مسکن ایده آلی است که به تحقق نخواهد رسید. صرف نظر از مشکل حاشیه نشینها و مسکن روستائیان که فاقد استاندارد است آقاي مهندس باهنر نماینده مجلس، از این به بعد سالی ۲ میلیون جوان وارد بازار کار خواهند شد که اگر یک میلیون خانواده تشکیل دهند، سالانه به یک میلیون واحد مسکونی جدید نیاز خواهد بود.

دارایی و نقدینگی

به گفته آقای دکتر همتی در سال ۶۸، ۵٪ افراد جامعه ۹۰٪ داراییهای جامعه را در اختیار دارند. و براساس آمار موجود در سال ۶۵، ۱۰٪ از مردم ایران روزانه ۶ تومان درآمد دارند، ۱۰٪ دیگر روزانه ۱۳ تومان، ۴٪ از جمعیت کل کشور به طور متوسط ۳۰۰ هزار تومان در ماه درآمد دارند. در سال ۶۵، ۷۰٪ از حقوق بگیران دولتی ماهانه ۴ تا ۶ هزار تومان حقوق می گرفتند. در سال ۵۷ تعداد میلیارد درهای ایران ۱۶ نفر بوده اند که در سال ۶۹ به صدها نفر رسیده اند.

در همان سال، آقای میرعلی نگارنده مسئول ستاد تعزیرات حکومتی بخش خصوصی، آمار و تحلیلی ارائه می دهد که جای تعجب دارد: نقدینگی بخش خصوصی موجود که ۶ برابر بودجه عمومی دولت است تنها در دست ۳ هزار خانواده بخش خصوصی است، او دو کاتال برای رشد و حرکت تروریسم اقتصادی معرفی می کند:

- ۱) وجود شبکه روابط خصوصی که تروریستهای فاسد به بهترین نحو از آن بهره می برند.
 - ۲) وجود توریهایی که مجموعه فعالیت های اقتصادی تروریستها را شروع نشان می دهند.
- نامبرده هشدار می دهد که "این سرمایه های هنگفت به خوبی در شرایط پیچیده بخشهای تجاری-خدماتی برای یک تمرکز فوق العاده در حال حرکت است" و اگر با جدیت با آن برخورد نشود "منجر به سلطه اقتصادی و سیادت آنان بر کشور خواهد شد." و "این مناسبات غامض می تواند حتی در شرایط قطع وابستگی با دول استکباری، به بخش خصوصی این توانایی را بدهد که سیاست و سرمایه گذاریهای دولت را نیز در آینده جهت دار و تعیین نماید."
- آقای شفیعی نماینده درود و ازنا در سال ۶۹ چگونگی توزیع اموال و داراییها را در مملکت بیان می کند. به گفته ایشان که مستند به آمار است، ۲۰٪ افراد جامعه ۷۴/۸۵٪ ثروت های کشور را مالک می باشند و از این ۲۰٪، ۱۰٪ مالک ۱۱/۶۸٪ و ۱۰٪ باقیمانده مالک ۶۳/۱۷٪ ثروت جامعه هستند. در نهایت ۱٪ هستند که به تنهایی صاحب ۲۱/۸٪ ثروت کشورند. نامبرده در مورد چگونگی توزیع این ثروت در تهران می گوید: "حدود ۲۴۰ هزار تهرانی مالک نیمی از داراییهای منقول و غیرمنقول تهران و مابقی صاحب نیمی دیگر هستند. براساس تحقیق وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۶۴، ۲۲٪ خانواده های شهری زیر خط فقر درآمدی هستند، ۵۸٪ خانوارها متوسط و ۱۰٪ در گروه پردرآمد جای دارند. در بررسیهای مرکز آمار ایران که در سال ۶۷ انجام شده، آمده است که ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد کشور فقط ۱۴/۲۱٪ از کل درآمد کشور، ۴۰٪ بقیه ۲۶/۹۳٪ و ۲۰٪ کشور،

مدارس غیرانتفاعی تخصیص داده شده ۲۰ میلیارد ریال آن بدون بهره بود. یعنی در فاصله سالهای ۷۲ تا ۷۴ در جمع مبلغ ۶۷۴ میلیارد ریال به این مدارس اختصاص یافته که ۳۷۰ میلیارد ریال آن مربوط به سال ۷۴ می شود. این در حالی است که تنها ۲٪ دانش آموزان کشور تحت پوشش این مدارس قرار دارند.

اگر این اعتبارات و وامها را با وامی که به دانشجویانی که "توان تامین مخارج تحصیلی خود را ندارند"، مقایسه کنیم تبعیض بهتر آشکار خواهد شد. بنا به گفته معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی: "۸۰٪ از دانشجویان کشور توان تامین مخارج تحصیل خود را ندارند. در سال تحصیلی جاری ۱۰ میلیارد ریال وام برای دانشجویان نیازمند تخصیص یافت که سقف وام تحصیلی برای دانشجویان مجرد ۲۰۰۰۰ ریال و متاهل ۲۵۰۰۰ ریال تعیین شده است. مقایسه گویاست، برای ۲٪ از دانش آموزان طبقه مرفه یعنی ۲۷۰ هزار نفر، ۳۷۰ میلیارد ریال برای هر دانش آموز ۱۳۷۰۰۰۰ ریال و برای ۸۰٪ دانشجویان طبقه محروم و ناتوان یعنی ۸۰۰ هزار نفر، ۱۰ میلیارد ریال یعنی هر نفر ۱۲۵۰۰ ریال اختصاص یافته است. یعنی فقط نیمی از دانشجویان و نه تمامی دانشجویان محروم می توانند ماهی ۲۰ یا ۲۵ هزار ریال وام دریافت دارند. (ب) مسکن: در عرصه مسکن شرایط بهتر از آموزش نیست. روزنامه رسالت تحت عنوان "شکاف عمیق عرضه و تقاضای مسکن فشار بر گروه محرومان" آماري منتشر کرده که نشان می دهد طی سالهای ۵۵-۶۵، ۴۵٪ مسکن سرمایه در بخش ساختن ۱/۱۰۷ میلیارد ریال به ۳۲۲/۷ میلیارد ریال در سال ۶۵ کاهش یافته است. سهم سرمایه گذاری بخش دولتی از ۲۰٪ در اوایل دوره به ۵٪ کاهش یافته و سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی از ۸۰٪ به ۹۵٪ افزایش یافته است. در حالیکه تشکیل سرمایه جذب بهترین نیروهای بخش دولتی، خصوصیت طبقاتی محصولات آنها و تخریبی که در بخش دولتی آموزش و پرورش می کنند سخن نمی گویم فقط با ارائه آمار کمکهای دولتی، نشان داده می شود که دولت در راستای هرچه طبقاتی تر نمودن نظام آموزشی حرکت می نماید. معاون اداره کل مدارس غیرانتفاعی می گوید:

"اعتبارات مدارس غیرانتفاعی کشور در سال ۷۲-۷۳، ۸۰ میلیارد ریال تعیین شده که نسبت به سال گذشته ۶۰٪ افزایش دارد... در حال حاضر ۱۲۰۰ مدرسه غیرانتفاعی در مقاطع مختلف تحصیلی در کشور وجود دارد که تا مهرماه به ۲۰۰۰ مدرسه می رسد. کادر آموزشی در این مدارس ۵ هزار نفر و ۱۱۰ هزار دانش آموز دارند یعنی ۱٪ کل دانش آموزان کشور. پنج ماه بعد به نقل از همین منبع تعداد مدارس دایر شده ۲۳۰۴ باب و دانش آموزان تحت پوشش ۲۷۰ هزار نفر یعنی ۲٪ کل دانش آموزان کشور ذکر شده است. وزیر آموزش و پرورش برای کمک به آن دسته از مدارس انتفاعی که حاضر شوند شهریه خود را کاهش داده و یا از دانش آموزان ممتاز به طور رایگان ثبت نام کنند" اختصاص ۲۴ میلیارد ریال اعتبار را اعلام کرد. او همچنین افزود برای احداث مدارس غیرانتفاعی ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار تخصیص یافته است. متعاقب آن، ۳۷۰ میلیارد ریال وام خرید، ساخت و تجهیز به مؤسسان

اشاره: مقاله زیر از شماره ۲۵ ماهنامه «ایران فردا» نقل شده است که به علت طولانی بودن آن، در اینجا تنها بخش هایی از آن نقل می شود. تاریخ نگارش مقاله حدود یک سال پیش است و نیز پاره ای از آمار و اطلاعات آن پیش از این جداگانه و به طور پراکنده در نشریات مختلف آمده است. با این همه جمع آمدن این آمار و اطلاعات در یک مقاله، تصویر روشن تری وضع اقتصادی و اجتماعی کشور ارائه می دهد که ارزش مطالعه دارد. این مقاله هرچند عنوان «عملکرد برنامه اول...» دارد، اما کارکردن نظام اسلامی به محک می کشد. آمار و اطلاعات ارائه شده در این مقاله، جایجا مستند به منابعی است که نگارنده در زیر نویس مقاله به آنها اشاره دارد که تقریباً تمام این منابع، روزنامه های وابسته به رژیم اسلامی است. اما در اینجا برای رعایت اختصار از آوردن زیر نویس منابع اجتناب شده است.

مقدمه:
۱) ۱۷ سال از پیروزی انقلاب، ۱۴ سال از یکپارچه شدن حاکمیت، ۷ سال از پایان جنگ، ۶ سال از شروع برنامه اول «توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی» و ۴ ماه از شروع برنامه دوم در جمهوری اسلامی ایران می گذرد. در تمام این دوران مسئولان مملکتی هدفهای انقلاب را که در قانون اساسی تبلور یافته است تکرار و تایید کرده و به طور مشخص از شروع برنامه اول نوید داده اند که با اجرای چند برنامه ۵ ساله، ایران به این هدفها خواهد رسید. این هدفها عبارتند از:

- استقرار عدالت اجتماعی
- رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه
- کاهش وابستگی به نفت و افزایش صادرات غیر نفتی و در نهایت کسب استقلال اقتصادی
- اعتدالی اخلاقی افراد جامعه
- برپایه دستورات رهایی بخش اسلام (۲) مستفکران تحولات نوین اجتماعی امروزه متفکران و روشنفکران برای توسعه «اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» یک جامعه عقب مانده تمرکز چهار عامل پیش شرط می باشند؛ صرف نظر از این که توسعه منحصرأ توسط بخش دولتی، بخش خصوصی یا با اشتراک هر دو بخش انجام پذیرد. این چهار عامل عبارتند از:
- نیروی انسانی
- اطلاعات
- مدیریت

۳) در خصوص برنامه های اول و دوم جمهوری اسلامی شمار نسبتاً زیادی از متفکران، متخصصان و کارشناسان ایرانی و خارجی، با تفکرات گوناگون، سخن گفته، مطلب نوشته و آنها را نقد و بررسی کرده اند. در این نوشتار از دیدگاه دیگری به عملکردها و چشم اندازها نگرسته خواهد شد.

۴) علی رغم امیدواریها و خوشبینی های فراوانی که مسئولان رده بالای جمهوری اسلامی پیوسته به مردم می دهند، واقعیتها نگران کننده تر از آن هستند که متفکران جامعه و حتی بخشی از مسئولان رده های پایین تر حاکمیت، این امیدها و خوشبینی ها را باور کنند. دلهره خود را گهگاهی بیان نمی نمایند. به نظر می رسد که در دستگاههای مختلف جمهوری اسلامی نهادها، ارگانها و اشخاصی هستند که به طور تخصصی شرایط جامعه را تحلیل می کنند و اطلاعاتی را برای مسئولان رسمی و غیر رسمی مملکت تهیه می نمایند. در مواردی این اطلاعات که از چشم مردم پوشیده مانده است، به طور پراکنده و عمدتاً بدون انسجام، جمع بندی و عبرت آموزی، توسط بعضی از مسئولان رده های میانی حاکمیت به بیرون شت می کند.

در پیوند با بحث پیرامون

تشکل خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ایران

● زمینه‌ها، تجربه‌ها، دشواری‌ها

نمایش سراسری فیلم گبه در فرانسه

میان یک رویا آشکار می‌سازد که همسر آینده‌ی عمو بر سر یک چشمه در حالی که «مثل یک قناری آواز می‌خواند» پیدا خواهد شد. این رویا به جستجوی منجر می‌شود که فرجام آن یافتن همسر آتی عمو است. اما با این همه مسایل و مشکلات «گبه»

فیلم «گبه» اثر زیبای محسن مخملباف که در چهارچوب یک ماجرای عاطفی و عشقی، چگونگی یافتن گبه (فرش معروف عشایر فارس) را به تصویر می‌کشد، هم اینک در ۲۴ شهر فرانسه نمایش داده می‌شود. این اولین بار است که یک اثر سینمایی ایران در یک کشور خارجی در چنین مقیاسی به نمایش درمی‌آید. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های معروف فرانسه هم‌زمان با نمایش فیلم گبه مقالات و نقدهای متعددی درباره‌ی آن به چاپ رسانده و می‌رسانند.



ادامه می‌یابد، زیرا شوهر آینده‌ی وی چیزی نیست جز سایه‌ی اسب‌سواری در دور دست که همیشه در یک کادر مخالف با آفت دیده می‌شود.

فیلم «گبه» آنجا که به روند بافته شدن فرش گبه می‌پردازد کاملاً مستند است و آنجا که زندگی گبه‌ی عاشق را به تصویر می‌کشد پیوسته با افسانه و ایهام‌های شاعرانه پهلوی می‌زند. در رهگذر آرمیزی این دو بخش مستند و افسانه‌ای، فیلم پر معنا و پرکشش پدید آمده که برگزیده‌ی قابل‌اعتنای دیگری در کارنامه‌ی سینمایی مخملباف به شمار می‌رود.

می‌کند، یکی همان معنای متعارف خود یعنی فرشی که ایل قشقایی (فارس) می‌بافتد و تنوع رنگ‌ها در آن وجهی خیره‌کننده دارد و دیگری نام دختری از اعضای همین ایل.

گبه در فیلم غمگین به نظر می‌رسد و علت این غمگینی رامتلاخت خانواده با فرد موردعلاقه‌اش عنوان می‌کند. پدر گبه اصرار دارد که ازدواج وی با مرد دلخواهش، تا بازگشت عمویش به تأخیر افتد و هنگامی که این بازگشت صورت می‌گیرد پدر ازدواج گبه را به پس از ازدواج عمو موکول می‌کند. در این

یکی از شاخص‌های حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های اخیر افزایش شمار نشریات مستقل، وابسته یا نزدیک به حکومت در عین تداوم فشارها و سرکوب‌هاست. این روند که به‌گونه‌ی چشمگیر بر شمار کارکنان و دست‌اندرکاران مطبوعات افزوده است، در کنار این واقعیت که آگاهی و تحرک مدنی، صنفی، سیاسی و اجتماعی کمابیش رو به فزونی می‌رود و نیز آمادگی بیشتر روشنفکران جامعه، از جمله خبرنگاران و روزنامه‌نگاران به واکنش در برابر پایمال شدن حقوق خویش از سوی مراجع حکومتی و یا گروه‌های فشار وابسته به آن، موضوع تشکل این صنف و برپایی نهادی برای دفاع از حقوق حرفه‌ای، مدنی، اقتصادی و اجتماعی آن را در کانون بحث‌ها و رایزنی‌ها قرار داده است. گفتمانی است که این بحث‌ها تنها به کارکنان نشریات

مستقل محدود نمی‌شود. در واقع بخش سزورگی از خبرنگاران و روزنامه‌نگارانی که برای نشریات حکومتی و یا نزدیک به آن کار می‌کنند جزء قشون ایدئولوژیک و سیاسی حکومت نیستند. هم‌چنان که در دوره‌ی شاه هم نبودند. این گروه نیز که شمارشان اندک نیست، طالب آن است که منافع صنفی و اجتماعی‌اش تأمین شود و در برابر فشارها و تضییقات مختلف پناهگاهی داشته باشد. شرکت فعال نمایندگان واقعی این گروه در بحث‌های اخیر را تنها از این زاویه باید مورد بررسی قرار داد. این که این بحث‌ها چه فرجامی بیابند به کدام کنش و اقدام عملی بیانجامد پیش از همه منوط به حل برخی دشواری‌های ریز و درشت است.

دشواری‌ها: نخستین این دشواری‌ها نوع نگاه و برخورد حکومت به تشکل‌هاست. جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۸ ساله‌ی خود به عیان نشان داده که تشکل را به ویژه آن زمان که فعالان فکری و نظری جامعه را دربر گیرد بر نمی‌تابد. تجربه‌ی چندین پیش‌نویسندگان ایران در انتشار متن ۱۳۴ نفره فشار و تهدیداتی که حکومت علیه آنها در پیش گرفت برای کمتر ناظری جای خوش‌بینی باقی می‌گذارد. از این واقعیت نباید به این نتیجه رسید که اندیشه تشکل را باید به دوران پس از این حکومت موکول کرد، چرا که پیگیری امر تشکل بخشی از تلاش برای دموکراتیزه کردن جامعه، زدودن استبداد از ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و تأمین مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت جامعه است. افزون بر این واقعیت ایجاد تشکل مربوط به جمهوری روزنامه‌نگاری در قوانین جمهوری اسلامی از پشتوانه‌ی استوار و محکمی برخوردار نیست، امری که ریشه در جهت‌گیری‌ها و کارکردهای استبدادی این نظام دارد. در ماده‌ی ۴۰ لایحه مطبوعات مصوب سال ۱۳۵۸ به تشکیلات صنفی روزنامه‌نگاران اشاره‌ی رفته بود، اما همین اشاره‌ی ناروا در قانون بعدی (۱۳۶۴) درز گرفته شد به گونه‌ی که این قانون در وجه عمده به سندی برای تعیین حدود و ثغور مطبوعات و جرایم روزنامه‌نگاران بدل شده است و طرفه این که جناح رسالت، آزادی‌های اندک ذکر شده در این قانون را هم بر نمی‌تابد، واقعیتی که سال گذشته در تلاش نمایندگان این جناح برای تصویب قانونی محدودکننده‌تر و خفقان‌آورتر بازتاب یافت، اما در پی مقاومت محافل مختلف اجتماعی و مطبوعاتی به شکست انجامید. به رغم همین محدودیت‌های قانونی خاص، قانون نظام صنفی سال ۱۳۵۹ که در فضای نسبتاً آزاد اوایل انقلاب تصویب شده راه را تا حدودی برای تشکل روزنامه‌نگاران باز می‌گذارد. در این

قاجار است و حکایت حبس و جان باختن ۴۰ روزنامه‌نگار در زندان و پای چوبه‌ی دار و آوارگی ۴۰۰ نفر دیگر، برای آنانی که در آینده به این تاریخ رجوع می‌کنند، جهت شناخت‌سپاه‌کاری حکومت فاش‌سند است. آن دیگری نیز که به همت آنها حیات مطبوعات ایران تداوم یافته است و جنگ و گریز و شگردها و زیرکی‌هایشان، سیادت حکومت بر جرایم را اندک-اندک سوده و فرسوده و مطبوعات را به کار کرد واقعی‌اشان نزدیک‌تر کرده است. نیز به رغم ارزش اجتماعی کارشان کماکان جزء بی‌حقوق‌ترین و آسیب‌پذیرترین صنف‌های جامعه‌اند و هرآینه در معرض فشارها و تضییقات حرفه‌ای، حقوقی، مدنی و اقتصادی می‌باشند. تا این فشارها کاسته آید، نهادی لازم است که از خود آنها به وجود آمده باشد و برای کسب و پاسداری حقوق مختلف‌اشان تلاش و مبارزه کند.

تجربه‌ها: اندیشه‌ی ایجاد چنین نهادی نخستین بار در سال‌های پس از سقوط رضاشاه شکل گرفت و در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به تشکیلات انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و سندیکاها متعددی انجامید که به سبب ضعف پایه‌های دموکراسی، حدت مسائل اجتماعی، حزبی شدن بسیاری از روندها و پدیده‌های اجتماعی چندان دوام نیاوردند. در واقع بیشتر جرایم این دوران به احزاب و گروه‌های صنفی و سیاسی وابسته بودند و گرایش آنها به تابع کردن سندیکاها، اتحادیه‌ها و انجمن‌های مطبوعاتی به سیاست‌ها و متافع حزب و گروه خود مانع از حرکت آنها در چهارچوب منافع صنفی عمومی و مسائل مربوط به حفظ و گسترش آزادی بیان می‌شد و آنچه حاصل شد، موجی از اختلاف‌ها و اتحادیه‌هایی بود بی‌اساس و زودگذر که هر چند خود را طبیعتاً درگیر مسائل اساسی جامعه، یعنی استقلال و آزادی و عدالت و تمامیت ارضی کشور می‌کرد، اما در عمل نه به پشتیبانی لازم از علائق صنفی رسید و از نظر سیاسی بنیان‌گذار حرکت مستمری «شد».

در میان ۲۴ تشکل مطبوعاتی که از سال ۱۳۲۰ به بعد در ایران به وجود آمدند پایدارترین‌اشان «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» است که ۳۴ سال پیش در ۵ مهرماه ۱۳۴۱ بنیان گذاشته شد. این سندیکا خبرنگاران را دیر و تلویزیون را نیز دربر می‌گرفت و وظایفی از جمله حمایت از حقوق و منافع اعضا، انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی، تشکیلات شرکت‌های تعاونی، تأسیس و ایجاد صندوق کمک بیکاری به منظور تعاون و مساعدت اعضای بیکار، تشکیل صندوق کمک‌های متقابل به منظور معاضدت اعضا در مواقع ضرور و اشتراک مساعی با کمیته‌ی طبقه‌بندی مشاغل و جزف را بر عهده داشت. سندیکا تا سال ۱۳۶۰ که فعالیت مستمر داشت به برخی از این وظایف قسماً جامعه‌ی عمل پوشاند. تلفی صنفی بودن صرف از سندیکا که آن را از پی‌گیری جدی مسئله‌ی آزادی‌های مطبوعاتی باز می‌داشت و نیز سوءاستفاده‌ی پاره‌نی از اعضا که قصد داشتند آن را نردبان ترقی خود سازند، ضعف‌هایی هستند که در ارتباط با تجربه‌ی مثبت فعالیت سندیکا قابل بررسی‌اند ولی نباید به عنوان دستاویزی برای نفی کامل این سندیکا باشند؛ آن چنان که نشریات حزب‌اللهی حکومت برخورد می‌کنند. در سال ۱۳۶۰ با محدودتر شدن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و تشدید سرکوب حکومتی، «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» نیز از فعالیت بازایستاد و تنها دفتری از آن باقی ماند که سه تن از اعضای آخرین هیئت مدیره‌ی سندیکا آن را کماکان حفظ می‌کنند.

آموزش همگانی و غیرمستقیم، تبدیل شدن به عرصه‌ی آزاد برای طرح و برخورد آراء و افکار و نظرات گوناگون، بازتاب افکار عمومی در برابر دولت‌ها و نهادهای مدیریت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، اراده‌ی انتقادها و نظرات و بررسی‌های کارشناسی، ارتقاء فرهنگی در زمینه‌هایی چون زیباشناسی و ارزش‌های هنری و ادبی و اخلاقی و آرمانی، حضور انتقادی به عنوان یک عنصر قدرت هم‌سنگ و کنترل‌کننده و ناظر در برابر دولت‌ها و مدیریت جامعه جامه‌ی عمل ببوشند. اگر در علت‌یابی تیراژ نازل مطبوعات ایران از رواج شدید فرهنگ شفاهی و نرخ بسیار پایین مطالعه در گذریم، به بدگمانی و بی‌اعتمادی مردم به مطبوعات می‌رسیم که همانا از ناتوانی مطبوعات در انجام کارکردهای خویش ناشی می‌شود. پوشیده نیست که این ناتوانی مشکل ذاتی و درونی مطبوعات ایران نیست و قبل از همه به سانسور رسمی و غیررسمی‌ی بازمی‌گردد که حکومت‌های استبدادی مختلف به جرایم تحمیل کرده‌اند و این سانسور آشکار در تلفیق با خودسانسوری کارگزاران مطبوعات که از عدم امنیت حرفه‌ای، سیاسی، مدنی، حقوقی، اقتصادی و شخصی آنها ناشی می‌شده است، مطبوعات را از ایفای نقش واقعی خود بازداشته است. در واقع سانسور و کنترل و نظارت حکومتی در ایران را با اندکی آسان‌گیری می‌توان هم‌زاد مطبوعات ما دانست، چرا که به رغم دولتی بودن نخستین جرایم ایران در سال ۱۳۲۸ قمری یعنی درست ۷ سال پس از انتشار اولین روزنامه‌ی فارسی، ارتجاع حاکم «اداره‌ی انطباعات» را دائر نمود و حکم کرد که: «همه‌ی چاپخانه و روزنامه‌های ایران باید زیر نظارت این اداره درآید». در

اقتادان محمدعلی‌شاه، رضاشاه، محمدرضاشاه و جمهوری اسلامی با مطبوعات و از دست رفتن جان‌های شیدایی هم‌چون صوراسرافیل، میرزا جهانگیر خان، ملک‌المستکلمین، فرخی یزدی، حسین فاطمی و رحمان هاتفی و حبس و دربدری بسیاری دیگر همه و همه اوراق تاریخ پر از درد و رنج مطبوعات ایران‌اند. تاریخی که در آن صفحات مربوط به جمهوری اسلامی گاه سیاه‌تر از دوران شاهان

زمینه‌ها: قدیمی‌ترین سندی که راجع به نخستین روزنامه‌ی فارسی در دست داریم اعلام‌نامه‌ی است که از طرف دولت، به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه‌ی ایران قلمی و تذکره شده که با این عبارت آغاز می‌گردد: «بر رأی صواب نمای ساکنین ممالک محروسه‌ی مخفی نماند که همت ملوکانه اولیای دولت علیه، مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت، آگاه ساختن از کار جهان است، لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعه ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد.»

اولین شماره‌ی این قدیمی‌ترین روزنامه که «کاغذ اخبار» نام داشت، روز ۲۳ خرداد ۱۲۵۳ هجری قمری توسط میرزا صالح شیرازی منتشر شد و چندی بعد با متصرف شدن محمدشاه از «تربیت مردم» انتشارش متوقف گشت. از آن زمان تاکنون بیش از ۱۵۰ سال می‌گذرد. ۱۵۰ ساله‌ی که در آن مطبوعات ایران و دست‌اندرکارانش پا به پای جامعه تحول یافته‌اند، دگرگون شده‌اند و سیادت دولت بر امور و سرنوشت خویش را کم و یا بیش پس‌زده‌اند.

در انقلاب مشروطیت، مطبوعات رکن چهارم مشروطه نامیده شدند و این بدان معنا بود که نهادهای اجرایی و حکومتی را حق دخالت در کار آنها نبوده است. اما این تلقی تنها در ۴ دوره‌ی کوتاه به واقعیت نزدیک شد: بار نخست در گرماگرم انقلاب مشروطیت، بار دیگر پس از فرار محمدعلی‌شاه و فتح تهران، سوم بار در شهریور ۲۰ و به دنبال سقوط رضاخان و آخرین بار در سال ۵۷ و گرماگرم سقوط رژیم شاه.

در تمامی این دوران کوتاه آثار زبان‌بار ناشی از استبداد و دیکتاتوری و عدم تکوین جامعه‌ی مدنی مانع آن بودند که در مستن نهادی شدن آزادی‌ها، مطبوعات نیز از انقیاد سانسور دولت به درآیند و بتوانند کارکردها و وظایف خود را تحقق بخشند. هم از این روست که به رغم تغییر و تحول در سیما و محتوای مطبوعات ایران هنوز هم آنها در موقعیتی نیستند که به کارکردهایی هم چون انتقال اخبار و اطلاعات،

نکته‌ها و گفته‌ها

«نقش اطلاع‌رسانی زبان - و نه نقش تذکارتی آن - در جامعه‌ی جدید ایجاد می‌کند که ما زبانی را به دانش‌آموزان و دانش‌جویان بیاموزیم که در نزدیک‌ترین فاصله با زبان گفتاری خود آنان باشد، و نه با زبان متون کهن و نخبگان فرهیخته، چه تنها در فضای چنین زبان زنده و گفتاری است که نوآموز ممکن است با علم، فن، فلسفه و هنر جدید احساس اهلیت کند. جای درست آموزش این متون (اشعار نظامی و خاقانی، سعدی و حافظ و کلیله و دمنه) کلاس ادبیات است. (در حالی که) در کلاس زبان ما باید چهار عمل اصلی «گفتن»، «شنیدن»، «خواندن» و «نوشتن» را به نوآموز یاد بدهیم. (به اضافه‌ی مهارت‌های جنبی مانند مراجعه به کتابخانه و خیلی چیزهای مختلف دیگر). صرف این واقعیت که هیچ کدام از این‌ها جزو برنامه‌های آموزشی زبان فارسی نیست، گواه بر این است که در این برنامه‌ها نیز ما در بست در اختیار سنت هستیم.»

زبان فارسی از سنت تا تجدد

دکتر علی محمد حق‌شناس - ماهنامه‌ی جامعه‌ی سالم شماره‌ی ۲۶

«مدیر روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی (مسئول صادرات و واردات فیلم سینمایی در جمهوری اسلامی) در پاسخ به این پرسش که با توجه به عدم صدور مجوز به منظور نمایش فیلم «آدم برنی» در داخل آیا برای ارسال آن به خارج کشور با معاونت امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد نیز هماهنگی شده است، ابراز داشت: تا آن‌جا که من می‌دانم این هماهنگی انجام گرفته است ضمن این که نمایش فیلم یاد شده در خارج کشور تبعات منفی آن در داخل کشور را ندارد!»

کیهان هوایی ۲۳ خرداد- ۱۲ ژوئن

«محدودیت‌هایی که برای کارگردانان (ایرانی) در نظر گرفته شده، نتیجه‌ی خوبی داشته و از آنجایی که این محدودیت‌ها از پیش مشخص شده‌اند، بنابراین کارگردانان به‌جای تغییر آنها سعی می‌کنند خود را به آنها وفق دهند.» (۱)

عباس کیارستمی در مصاحبه با نیوزویک اطلاعات بین‌المللی - اول تیر

پژوهش‌های فلیکس پست، روان‌کاو نامدار انگلیسی در مورد زیست‌نامه و رفتار ۱۰۰ نویسنده، شاعر و درام‌نویس انگلوساکسون حاکی از آن است که اهل قلم به لحاظ ویژگی‌ها و ظرافت‌های روانی بیش از صاحب‌استعدادان عرصه‌ی علم در معرض ابتلا به افسردگی، روان‌پریشی، خوگیری به الکل و مواد مخدر، اقدام به خودکشی و خشونت‌گرایی قرار دارند. پست در پژوهش خویش برای هر کدام از عارضه‌های فوق یک نمونه‌ی منفی در نظر گرفته است. چالب آن که براساس نتیجه‌گیری‌های این روان‌کاو انگلیسی، در شاعران کمتر از سایر اهل قلم چنین عارضه‌هایی دیده می‌شود. در حالی که نویسندگان و درام‌نویسان مثل ویلیام فالکنر، اف. اسکات فیتز جرال، اولین‌اوا با ۶ نمره‌ی منفی و ارنست همینگوی و جیمس جویس با ۵ نمره‌ی منفی در صدر فهرست عارضه‌مندان قرار گرفته‌اند.

هفته‌نامه‌ی اسپیکل شماره‌ی ۲۳ سال ۹۶

«راست و چپ، همه با هم باید به همبستگی برسیم»

گفتگو با پروانه فروهر

حضور اندیشه‌ها و بینش‌های متفاوت و متنوع، در یک فضای دوستانه، رنگی دیگر به فضای هفتمین همایش بنیاد پژوهش‌های زنان داده بود. افکار و بینش‌های مختلف نشانه دیگری بود از اینکه زنان در جستجوی پل ارتباطی با هم‌زمان و هم‌پیمانان خود در داخل کشور هستند. حضور گروه‌های مختلف با عقاید رنگارنگ، روزانه با جمعیتی قریب ۴۰۰ - ۳۰۰ نفر در فضایی دموکراتیک، شاید در کمتر کنفرانسی دیده شده است.

فرصتی پیش آمد تا از جانب روزنامه کار با سه تن از شخصیت‌های کنفرانس در باره مسائل زنان و دشواریهای کشور گفتگوهایی صورت گیرد. در این شماره نشریه مصاحبه باخانم پروانه فروهر و خانم شیرین عبادی به چاپ می‌رسد در شماره آینده مصاحبه باخانم گلناز امین درج خواهد شد. این مصاحبه‌ها در جریان برگزاری همایش بنیاد توسط خانم عفت ماهاباز صورت گرفته است.



پروانه فروهر (اسکندری) در سال ۱۳۱۶ در تهران زاده شد. در سال ۱۳۴۰ با داریوش فروهر ازدواج کرد.

وی از نوجوانی به فعالیت سیاسی روی آورد. در حادته ۱۶ آذر ۱۳۳۲، سسختران نخستین گردهم‌آبی دانشجویان دانشگاه تهران بود، و در شورای دبیران روزنامه آرمان ملت عضویت داشت، و مدتی نیز مسئولیت خیرنامه جبهه ملی ایران و سردبیری روزنامه جبهه ملی ایران را بر عهده داشته است. پروانه فروهر یکی از دوتن زنان شرکت‌کننده در کنگره دوم جبهه ملی ایران نیز بود، و تاکنون سه‌بار بازداشت و زندانی شده است. ایشان در حال حاضر از اعضای شورای رهبری و دبیر حزب ملت ایران است.

خانم فروهر، من بسیار خوشحالم که در این کنفرانس فرصت دیدار با شما پیش آمد و امیدوارم اینگونه فرصت‌ها باز هم بیشتر پیش بیاید. اجازه بدهید مصاحبه را با این سؤال شروع کنیم: اوزیایی شما در مورد اوضاع فعلی ایران چیست؟ با توجه به مسائل و مشکلات مردم ایران در شرایط فعلی راه حل شما چیست؟

ج: منم با خوشحالی از دیدار شما و امید اینکه پس از اینهمه رنج‌هایی که بر شما رفته سلامت و کامل و استوار از پس آن برآید شروع می‌کنم؛ ایران ما در وضع بسیار بدی بسر می‌برد. خفتان به معنی واقعی، جو اختناق را هر روز گسترش می‌دهند. و در زمان کنونی ضرورت یک همبستگی بر سر یک هدف مشخص و باگذشت از همه گذشته‌ها، بدون اینکه

هر کس سعی کند که دیگری را آسیب رساند، با بزرگواری، با صبوری به آن همبستگی رسیدن، بعد از رسیدن به آن همبستگی، جمهوری اسلامی را ناگزیر از جایگاهی که هست فرو کشیدن، و یک دولتی بر مبنای مردم سالاری پدید آوردن، این راه حل است.

س: برای این راه حل مجموعه نیروهای سیاسی ایران چه کاری باید انجام دهند؟ برای نزدیک شدن این نیروها چه راه حلی وجود دارد؟ بی‌تردید می‌بایست حصارها را بشکنیم. می‌بایست از تعصب‌ها دست برداریم. راست و چپ، همه با هم دیگر به این همبستگی باید برسیم. مهمترین مسئله اینست که به آزادی باور داشته باشیم و بدانیم که استقلال ایران بدون داشتن آزادی، بدون پدید آوردن یک عدالت همگانی امکان‌ناگه داشتش نیست. در این صورت، نیروهای غیر وابسته، نیروهایی که از جایی نشأت نمی‌گیرند باید دست در دست هم

ارزایی شما چیست؟ ج: اول بگویم که نخستین واکنش را به آن مسئله (حمله به زن‌ها و حصر آزادی‌های زن‌ها) ما کردیم. من مقاله‌ای نوشتم بنام «انقلاب را داغ ارتجاع نزنید». این مقاله باعث شد، من کاری را که عاشقانه دوست داشتم از دست بدهم. ما واکنش نشان دادیم، ولی کل جماعت سیاسی آن‌قدر سرگرم مسائل دیگر بودند که خطر را به معنی واقعی لمس نکردند یک چیز گفتنی دیگر اینست که چند درصد از زن‌های ایران این برابری را باور دارند؟ چند درصد از زن‌های ایران سیاسی هستند؟ وقتی زنی به حقوق خودش آگاه نباشد محصورتر کردنش برای او چه تفاوتی دارد؟

س: خانم فروهر، من از قسمت آخر صحبتان استفاده می‌کنم - اینکه درصد کمی از زن‌ها سیاسی هستند و حرف‌های دیروزتان که کنار در میان زنان را فرهنگی می‌بینید. من هم کار میان زنان را فرهنگی و دراز مدت می‌بینم. اما آیا فکر نمی‌کنید که هم‌زمان با مبارزات مردم کارسیاسی در میان زنان رومی بایست پیش برد؟ دیگر به زنان نمی‌توان گفت شما کنار بایستید تا آزادی بدست آید. ما می‌توانیم این مسائل را به موازات هم پیش ببریم.

ج: می‌دانید که ما یک اتحادی بنام اتحاد نیروهای ملی ایران در ایران تشکیل دادیم و همه امیدمان اینست که سازمان‌های سیاسی ایرانی خارج از کشور که بسیار هم زیادند و بسیار هم پراکنده دست در دست هم به چنین اتحادی دست یابند. ما در آنجا بر سر این مهم که یک سازمان زنان به این اتحاد پیوندند و در تلاش هستیم که از زن‌های سیاسی با اندیشه‌های مختلف که مسئله زن برایشان اصلی‌ترین مسئله باشد دعوت کنیم. در این راستا حرکت‌هایی شده است. امیدواریم هرچه زودتر به موفقیت‌هایی دسترس پیدا کنیم که زن‌ها را بساویم. به دقتاً، هنوز واقعا به این مبارزه با دیکتاتوری، مبارزه با سلطه می‌بایست برای مبارزه برای رسیدن به آزادی‌های انسانی هم برای زن دست یازیم.

س: وضعیت مبارزه زنان در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ متأسفانه هنوز چندان شکلی نگرفته. هنوز واقعا به این باورها نرسیده‌اند. من خالی از شعارم. من دارم واقعیت را مطرح می‌کنم. باید تلاش کرد. بخشی از زن‌ها چنان

«مشکل ما، مشکل مردسالاری است»

گفتگو با شیرین عبادی

شیرین عبادی، نخستین زن ایرانی است که در تاریخ دادگستری به ریاست دادگاه شهرستان تهران منسوب گردید، در سال ۱۳۲۶ در همدان و در خانواده‌ای حقوقدان به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۴۸ در رشته حقوق قضایی فارغ‌التحصیل شد و به سمت قاضی در دادگستری استخدام گردید. دو سال بعد فوق‌لیسانس خود را نیز از دانشکده حقوق دانشگاه تهران دریافت کرد. در سال ۱۳۵۲ به ریاست دادگاه منصوب شد و تا سال ۱۳۵۸ نیز در این سمت انجام وظیفه کرد. شیرین عبادی چندی پس از انقلاب ایران به علت زن بودن در مشاغل اداری گمارده شد و در سال ۱۳۶۳ خود را بازنشسته کرد. وی هم‌اکنون وکیل پایه یک دادگستری و وی مدرس حقوق دانشگاه تهران است. وی در زمینه کلی حقوق اصناف و حرفه‌های مختلف و حقوق کودکان و پناهندگان، و نیز در موضوع تاریخچه حقوق بشر در ایران تالیفات دارد.

می‌گذارم و می‌گویم: چون این خانم ازدواج کرده، حق حضانت خود را از دست می‌دهد. نکته جالب‌تر این که، ازدواج شرعی و قانونی زن در ردیف جنون، موجب سلب حق حضانت او می‌شود. از این بی‌عدالتی‌های قانونی متأسفانه زیاد به چشم می‌خورد. اما راه حل چیست؟ راه‌حل آگاه کردن زنان ایرانی به حقوق خودشان است. یعنی این قدر این موارد نابرابری‌ها را در قانون بایستی عنوان کرد تا آن‌ها آگاه بشوند که چه بر آن‌ها می‌رود و در صدد احقاق حقوق خودشان برآیند. یعنی در حقیقت مبارزه، مبارزه فرهنگی است. س: آگاهی زنان ایرانی در مورد مسائلی که بر شما می‌رود، تا چه حد است و تلاش‌شان در این زمینه چگونه است؟ ج: طبعاً وقتی که تازیه قانون، قانون غیرعادلانه، برگردد هر فردی فرود بیاید به تدریج متوجه دردها می‌شود و از همان زمان است که درصدد یافتن راه‌حل برمی‌آید. من



میزان آگاهی در زنان را امروز بسیار خوب ارزیابی می‌کنم. نکته قابل ذکر این است که برخی فکر می‌کنند که مخالفت با این قوانین یعنی مخالفت با اسلام. و این قوانین عیناً اسلام است و غیر از این نمی‌شود قانون دیگری داشت. من بر این اعتقاد نیستم. هرچند که قوانین جمهوری اسلامی ایران بایستی بر مبنای اسلام باشد، ولیکن در کنار آن، این نکته مطرح می‌شود که روح والای اسلام را درک نکردند. و قوانین از انسجام واحدی برخوردار نیست. من یک مثال می‌زنم. سن بلوغ را در دختر، ۹ سال می‌گیرند هرچند که اساساً این سن مورد تردید فقهی‌های زیادی است. یعنی خیلی از فقها به این سن معتقد نیستند. حالا فرض کنیم که اعتقاد بر این سن داشته باشند. خوب این یعنی چه، یعنی این که یک دختر در سن ۹ سالگی به قدری عاقل و کامل بالغ است که می‌تواند معامله کند و می‌تواند شوهر کند. بسیار خوب، اما در همین سیستم حقوقی ایران قانون‌گذار می‌گوید که خروج دختر تا سن ۱۸ سالگی موکول به موافقت پدر است. اگر عاقل است و می‌تواند صد میلیون تومان معامله کند و یا شوهر کند، چرا برای خروج از کشور احتیاج به اجازه پدر دارد؟

این که می‌گویند دختر ۹ ساله آن قدر عاقل است که بتواند شوهر را برای یک عمر انتخاب کند. بسیار خوب، این هم یک نظر. اما همین دختر ۹ ساله در کنار میلیون‌ها رای‌دهنده دیگر حق انتخاب نماینده ندارد

س: برابری‌های انسانی در کل حقوق اجتماعی، سیاسی، مدنی، س: با توجه به صحبت‌هایی که در سینه‌تان در این چند روزه شده نظرتان را راجع به جنبش مستقل زنان بگوئید. ج: با شناختی که از فضای ایران دارم باور نمی‌کنم یک جنبش مستقل زن چندبترانه موفق شود. اگر ما بتوانیم مردان را همگام خود کنیم بهتر است به همین دلیل گفتیم ما در آن اتحاد حزب‌ها نیروهای ملی که تمامی بقیه در صفحه ۸

س: خانم عبادی خوشحالم از این که در هفتمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان فرصتی پیش آمد که توانستم از نزدیک با شما آشنا شوم. قبلاً با کتاب‌هایتان آشنایی داشتم. از سخنرانی و کتاب‌هایتان این‌طور به نظرم می‌رسد که شما دره زن ایرانی را به درستی درک کرده‌اید. در حال حاضر وضعیت حقوقی زنان در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ راه‌حل‌های شما برای این مسائل چیست؟

ج: وضعیت حقوقی زن در ایران، وضعیتی مناسب و مشابه با وضعیت حقوقی مردها نیست. یعنی در پاره‌ای از زمینه‌ها قانوناً تفاوت‌هایی وجود دارد. فرضاً، در صورت جدایی حق حضانت اولاد در مورد فرزند پسر، تا دو سال و در مورد فرزند دختر، تا هفت سال فقط با مادر است. و از آن پس با پدر است و حق اندکی که مادر برای حضانت دارد، می‌تواند حق کمتر از این هم باشد. یعنی اگر زن در مدتی که حضانت فرزندش را دارد، به دیگری شوهر کند یا مجنون شود این حق حضانت را از دست می‌دهد. فرض کنیم خانمی که یک دختر دو ساله دارد از شوهر معتاد و قساقچی خودطلاق می‌گیرد. بعد از یک سال با فرد باصلاحیتی ازدواج می‌کند و این مرد حاضر می‌شود فرزند او را به خوبی نگهداری کند. این خانم قانوناً تا سه سال می‌تواند این فرزند را نزد خود نگاه دارد. اما قانون مدنی با پیش

سرخورده شده‌اند که سیاست را بوسیده‌اند و گذاشته‌اند کنار. بخشی از زنان باور ندارند. باید واقعا کار بشود. اما هستند زن‌هایی که به این صدا پاسخ مثبت بدهند. س: شما اشاره کردید به اتحادی به نام اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران و اینکه در آنجا معتقدید سازمان زنان با اندیشه‌های مختلف ایجاد کنید. فکر می‌کنید در آن چه شعارهایی را باید مطرح کرد. شعارهای عاجل زنان کدامند؟

برای این‌که سن شرکت در انتخابات ۱۵ سال است. و زیر این سن کسی به درک و شعور نرسیده. چطور، در سن ۹ سالگی کسی می‌تواند شوهر را برای تمام عمر انتخاب کند. اما حق ندارد در کنار میلیون‌ها رای‌دهنده دیگر نماینده برای ۴ سال انتخاب بکند؟ مثال دیگر: سن ۹ سالگی سن ازدواج است. خیلی خوب، یک دختر ده ساله‌ای را شوهر می‌دهیم. سن ۱۱ یا ۱۲ سالگی او بچه‌دار می‌شود. سال بعد او شوهر را از دست می‌دهد یا شوهرش او را طلاق می‌دهد. یعنی در سن ۱۳ سالگی یا ۱۴ سالگی او بیوه می‌شود. او برای گذران زندگی و پر کردن شکم خودش و بچه‌اش باید برود کار کند. قانون کار می‌گوید استخدام فرد زیر ۱۵ سال ممنوع است. و اگر کارفرمای این زن را استخدام کند، او را دستگیر کرده و جریمه و مجازات می‌کنند. می‌گویند تو این دختر را استخدام کرده‌ای. این چندگونگی قانون را ما چگونه می‌توانیم توجیه بکنیم. غیر از این که روح والای اسلام را درک نکردند. در نتیجه قوانین از انسجام واحدی برخوردار نیستند. تمام این تناقضات نشان‌دهنده یک چیز است. بار دیگر قوانین بایستی مورد بازنگری قرار گیرد. و ما قوانینی منسجم و منطبق با احتیاجات جامعه امروزی خود باید داشته باشیم که ضمناً مغایرتی هم با شرع اسلام نداشته باشد. س: خانم عبادی شما به آگاهی نسبتاً خوب زنان در زمینه حقوقی اشاره کردید. آیا این آگاهی را در میان توده زنان هم دیده‌اید، آیا شما اصلاً بازبینی قانون را در شرایط جاری امکان‌پذیر می‌بینید؟

ج: بازبینی قانون را امکان‌پذیر می‌بینم. یعنی علتی نیست که ما بخواهیم لچ بکنیم که حتماً همین قوانینی را که نه با اسلام انطباق دارد نه با احتیاجات جامعه، حتماً داشته باشیم. اما آگاهی توده‌ها، به‌رحال به نسبت قبل به نظر من بیشتر شده.

س: ارزیابی شما از هفتمین سمینار بنیاد پژوهش‌های زنان چیست؟ ج: من اساساً هر فرصتی که برای تعاطی افکار و تبادل نظریات پیش بیاید، استقبال می‌کنم. شکر فایه دانش و آگاهی در همین است که عقاید مختلف رد و بدل شوند و جایگاه همین‌گونه افکار در این سمینارها است. به نظرم سمینار بسیار خوبی بود.

س: شما دیروز در سخنرانی‌تان در سمینار، اشاره به مردسالاری در جامعه ایران داشتید. لطفاً برای خوانندگان ما بیشتر توضیح دهید که تاثیر مردسالاری را در قوانین ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: همان‌طور که گفتم، اسلام دین والایی است. مشکل ما مشکل مردسالاری جامعه ما است. در اسلام ما حکم اولیه داریم و حکم ثانویه. یعنی هر جا که احکام با شرایط زمان و مکان انطباق نداشته باشد، می‌شود حکم ثانویه داد. من یادآور می‌شوم به حکم تحریم تنباکو که به وسیله میرزای شیرازی صادر شد. یا حلال شدن موسیقی و یا بازی شطرنج و خیلی از فتوای دیگری که به عنوان حکم ثانویه صادر شد و به هر حال قسمتی از مشکلات جامعه را حل کرد. حالا یک سؤال دارم. چرا از این استفاد روشنگران در مورد حقوق زن استفاده نمی‌شود؟ آیا شمایک حکم ثانویه تا به الان دیده‌اید که راجع به حقوق زن صادر شود؟ پس بنابراین مشکل به نظر من اسلام نیست. اسلام راه دارد و ما می‌توانیم در محدوده اسلام قوانین بهتری داشته باشیم. مشکل، فرهنگ مردسالار حاکم بر جامعه ماست که اجازه استفاده از این ابزار به نفع زن‌ها را نمی‌دهد. با تشکر از این که وقتتان را در اختیار خوانندگان ما قرار دادید.

سیمای جهان معاصر را بهتر بشناسیم

بخش اول: دمکراسی، نخستین قربانی اقتصاد بازار

محمود - س

طبقاتی سرعت می‌گیرد و تأمین و تضمین کار قطعیت خود را از دست می‌دهد و دست‌آوردهای اجتماعی، اقتصادی و دموکراتیک که با مبارزه‌ی پیگیر کسب شده، از دست می‌رود. به این ترتیب بعضی از کشورهایی که در مسیر صنعتی شدن قرار گرفته‌اند به سمت جهان سومی شدن سوق پیدا می‌کنند.

سرماهی‌ی ماوراء مرزها بدون هیچ مانعی در حال گردش است ولی نیروی کار از چنین امکانی بهره‌مند نیست. این سرماهی عظیم، جوامع مختلف و نیروی کار آن را به تقابل وامی‌دارد (پروژه‌ی که ناشی از انتقال صنایع به کشورهای از قبیل سنگاپور و غیره است و به بسیاری کارگران کشورهای صنعتی و به ایجاد اشتغال در برخی کشورهای در حال توسعه انجامیده است، اما در عین حال موجب تقابل بین نیروی کار این کشورها شده است)، حفظ محیط زیست و رعایت حقوق کار، غیرانتفاعی و بی‌فایده ارزیابی می‌شود. به کمک سیاست دیکته شده از طرف IMF، اروپای شرقی به جایگاه سنتی خویش در جهان سوم هدایت شده است.

یکی از مختصات نظم نوین جهانی، افزایش نجومی قروض کشورهای جهان سوم به بانک جهانی است. مرگومیر ۱۱ میلیون کودک از بیماری که بایک یا دو دلار می‌توانستند مداوا شوند، درگذشت ۵۰۰ هزار کودک به تبع سیاست بازپرداخت قروض دولتی به بانک جهانی در کشورهای جهان سوم، چهره‌نمای نظم نوین جهانی در جهان سوم است که سازمان بهداشت جهانی آنرا «کشتار خلق در خاموشی» عنوان می‌کند. به‌رغم تمام فواید اقتصادی که توسط IMF به جهان سوم تحمیل گشته است، این سیاست‌ها همچنان تداوم می‌یابند و تلاش نیروهای ترقی‌خواه برای قطع چنین پروژه‌ی و جستجوی یک آلترناتیو، از جانب ایدئولوژی حاکم اقتصادی (لیبرالیسم نو) بی‌مسئولیتی اقتصادی قلمداد می‌شود. حاکمان دنیای معاصر همزمان برای اقشار ضعیف و فقیر، به صدور بی‌انتهای تشریفات در مورد پرنسپهای بازار می‌پردازند.

شرط اساسی برای تکامل آینده‌دار سرماهی‌داری، مداخله‌ی دولتی نیرومند در امور اقتصادی است تا بتواند از قدرت اقتصادی خصوصی در مقابل قدرت و دیسیپلین بازار دفاع کند. مسأله‌ی که برخی از متخصصان اقتصادی غرب به‌خوبی بدان آگاه و معترف هستند، اما در طی سال‌های

در طی ۲۵ سال اخیر، نظمی عمومی و نوین در اقتصاد جهان شکل گرفته است که در حال فرسایش و تضعیف دستاوردها و پیشرفت‌های دموکراتیک ترقی‌خواه است. پیشرفت «دردناک» نامی است که بر این تجربه‌ی جهانی نهاده شده است. تجربه‌ی که با ۳۰٪ بیکاری مزمن، لجام گسیختگی سیستم اقتصادی حاکم در عرصه‌ی جهانی و عدم توانایی آن در برآوردن نیازهای اجتماعی مشخص می‌شود. پدیده‌هایی که به مثابه خصلت طبیعی و ذاتی چنین سیستمی نمود دارد. حاکم واقعی نظم نوین جهانی، انحصارات ماوراء ملیتی و شرکت‌های غول‌آسا می‌باشند که امروز حدود یک چهارم ثروت جهانی از طریق آنان کنترل می‌شود.

مجموعه‌ی فعالیت‌های این شرکت‌ها در روندهای سیاسی جهان معاصر تاثیرگذار هستند که از طریق پیمان‌هایی از قبیل «پیمان تجارت آزاد» GATT و NAFTA اعمال می‌شوند. پیرامون این شرکت‌ها، یک رژیم جهانی نامرئی و خارج از حیطه‌ی تأثیر و کنترل دموکراسی در سیمای IMF، بانک جهانی، G-7 و WTO تجسم پیدا کرده است که نمایانگر قدرتی مرکزی و بین‌المللی در سطحی نوین است. از سال ۱۹۶۱ به بعد حجم سرمای‌ی نامنظم (سرماهی‌ی که نه در تولید و بازرگانی بلکه در بورس و دادوستد ارز، در جریان است)، افزایش انفجاری آمیزی پیدا کرده و مبادلات پولی و ارزی با بهره‌گیری از انقلاب تکنولوژیک در عرصه‌ی ارتباطات و اطلاعات، سرعت سرسام‌آوری یافته است.

سرماهی‌ی بانک جهانی به میزان ۱۴۰۰ میلیارد دلار در بازار جهانی به کار انداخته شده است که در حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار از آن به اطراف و اکناف جهان منتقل شده است. در سال ۱۹۶۱، ۱۰٪ از سرماهی این بانک به معاملات و دادوستد ارزی (سرماهی نامنظم) اختصاص داشت و ۹۰٪ در عرصه‌ی روابط تجاری و سرماهی‌گذاری فعال بود؛ ولی امروز این نسبت برعکس شده است.

نتیجه‌ی چنین تحویلی، فشار بیش از اندازه به دولت‌ها می‌باشد تا به هر قیمتی تورم را پائین نگهدارند. پی‌آمد چنین سیاستی، رشد اقتصادی نازل و بیکاری افزون در گستره‌ی جهانی است. سرماهی نامنظم از خصلت مخرب و مکانیزم ضد رشد اقتصادی برخوردار است و بخش وسیعی از جهان را به سمت رشد نازل و دستمزد پائین سوق می‌دهد؛ چهره‌نمای برخی از روندهای جاری در جهان سوم بر اثر اجرای توصیه‌های غرب. خصلت جهانی تولید در این راستا پوشش کرده است که کشورهای ثروتمند و صنعتی جهان در حال صنعت‌زدانی در برخی از عرصه‌ها باشند. آنها تولیدات صنعتی خویش را به کشورهای با نیروی کار ارزان که از کار طولانی و فشرده‌ی آبابی ندارند، منتقل می‌کنند. در این کشورها رشد فقر، شکاف اجتماعی و تجزیه‌ی

بقیه از صفحه ۶

بازار» به جامعه‌ی که در آن برابری برقرار است رهنمون شود.

«جان دوی» بیان کرد که دموکراسی و آزادی تا زمانی که قدرت متمرکز اقتصادی جامعه را رهبری کند، مفاهیم بی‌محتوایی خواهند بود. با بررسی و مطالعه‌ی ایده‌های لیبرالیسم کلاسیک و انتظارات این تئوریسین‌ها از نتایج این ایده‌ها در جامعه، این تئوریسین‌ها را به مارکسیسم نزدیکتر می‌یابیم تا به «لیبرالیسم نو». لیبرالیسم کلاسیک بیشتر بر نفی تشکلات توتالیتر تأکید می‌کردند و خواهان تکامل آزادی فردی و آفرینش او بودند. اما آنچه که امروز زیر پوشش لیبرالیسم نو به پیش برده می‌شود، دفاع ایدئولوژیک از قدرت متمرکز و توتالیتر دوران ماست. یعنی نقش بدون رقابت انحصارات ماوراء ملیتی، شرکت‌های غول‌آسا، بانک‌ها و سرماهی‌داران بزرگ در کنترل تصمیمات تعیین‌کننده‌ی اجتماعی. سؤال مرکزی درباره‌ی روندهای آتی، که تأثیر فراوان در تکامل جهانی دارد، این است که آیا مقاومت مردم خواهد توانست، به روندهای ضد دموکراتیک پایان دهد؟ آیا دست‌آوردهای یک‌صد ساله‌ی آزادی‌خواهانه، عدالت‌جویانه و دموکراتیک بشریت ترقی‌خواه امکان تعمیق خواهند داشت؟ شرط موفقیت این روند این است که مقاومت مردم در مقابل یورش لیبرالیسم نو به دستاوردهای دموکراتیک، در چهارچوب‌های ملی و بین‌المللی سازمان‌یابد و دموکراسی تمام عرصه‌های زندگی از جمله عرصه‌ی اقتصادی را دربرگیرد.

ادامه دارد

توضیح:

Gatt:(General Agreement On Tariffs and Trade):

سازمانی متشکل از ده‌ها دولت با هدف از میان برداشتن موانع تجاری بین دولت‌های عضو و دولتی که عضو این سازمان تجاری است. این سازمان مسئول است که شرایط تجاری برابر برای دیگر دولت‌های عضو فراهم آورد.

G-7:(Group of Seven):

گروهی متشکل از دولت‌های کانادا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، انگلیس، آلمان و آمریکا. از جمله اهداف گردهم‌آنی‌های مرتب این گروه، کاهش و از میان برداشتن موانع گمرکی و فراهم آوردن تسهیلات تجاری برای اعضا تشکیل‌دهنده‌ی این گروه است.

IMF:(International Monetary Found)

بنیاد بین‌المللی ارز در واشنگتن.

با پیروزی جناح افراطی حزب لیکود

بحران در کابینه اسرائیل پایان گرفت

شارون در رسانه‌های اسرائیلی بعنوان چهره ضد صلح شناخته شده است.

تشکیل این وزارتخانه عظیم توسط احزاب کوچک متحد لیکود مورد انتقاد قرار گرفت. کابینه تصمیم خود در مورد پذیرش این وزارتخانه جدید را به هفته آینده موکول کرد.

رکود روند صلح در خاورمیانه

در قطعه‌نامه یابانی کنفرانس سران عرب که در نیمه ماه ژوئن در مصر برگزار شد، از اسرائیل خواسته شد که بلندپایه‌ی جولان را پس دهد، از شهرالخلیل عقب نشینی کند و دولت مستقل فلسطینی را به رسمت بشناسد. نتان‌یا هو در مورد این قطعنامه واکنش سختی نشان داد و اعلام کرد که حاضر به پذیرش هیچ دست‌اوردی برای دولت خود نیست. عقب نشینی از شهرالخلیل که طبق برنامه پرز قرار بود بعد از انتخابات صورت بگیرد، در برنامه دولت نتان‌یا هو قرار ندارد. نتان‌یا هو طی سخنرانی خود در مجلس اسرائیل با فرمول «صلح به همراه امنیت برای اسرائیل» پذیرش دولت فلسطینی را منتفی دانست. دولت سوریه نتان‌یا هو را مستهمل کرد که با سواستفاده از انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا تلاش دارد دولت آمریکا را به سمت سیاست خود بکشاند. روزنامه رسمی الشورا چاپ دمشق از کلیتون خواست که برای جلب آرای یهودیان در انتخابات ریاست جمهوری از اصول خود منبر بر «زمین در مقابل صلح» عقب نشینی نکند.

روند تحولات جدید در خاورمیانه

بقیه از صفحه ۱۲

که کلیتون رئیس جمهور به دلایل مختلف و از جمله پیروزی مجدد در انتخابات آتی ریاست جمهوری در آمریکا، به انتخاب مجدد حزب کارگر در اسرائیل و تداوم مذاکرات صلح خاورمیانه چشم دوخته بود. تحقق نیافتن این امر که احتمالاً به تلاش واشنگتن برای وادار ساختن حزب لیکود به تداوم راه حزب کارگر منجر خواهد شد، به علاوه فشاری که از رهگذر صف‌بندی‌های جدید منطقه‌ای و بین‌المللی بر آمریکا و به طریق اولی بر اسرائیل در جهت تداوم روند صلح وارد می‌آید، عواملی هستند که سیاست‌ها و روندهای ماههای آتی در منطقه را بیش از همه تحت تأثیر قرار خواهند داد.

با تشکیل وزارت جدید «زیر ساخت ملی» و انحصار آریل شارون به سمت وزیر آن، کشاکش درون حزب لیکود به نفع جناح افراطی‌تر این حزب به پایان رسید. دیوید لوی وزیر امور خارجه کابینه نتان‌یا هو از طرفداران سرسخت شرکت شارون، ژنرال ضد عرب در کابینه بود و به نتان‌یا هو التیما تویم داده بود که چنانچه شارون در کابینه نداشتند باشد، او از سمت خود استعفا خواهد داد. لوی ۹ ژوئیه را آخرین مهلت برای نتان‌یا هو اعلام کرده بود. نتان‌یا هو ۳ ژوئیه وزرای راه و انرژی، دادگستری، مسکن و کشاورزی را که از لیکود و یا احزاب کوچک راست مذهبی و افراطی بودند، فراخواند و برخی از اختیارات این وزارتخانه‌ها را به شارون سپرد. از جمله تمامی بخش انرژی و بسخشی راه آهن از وزارت راه و انرژی، راهسازی از وزارت مسکن، بخش مربوط به آب از وزارت کشاورزی، اختیارات مربوط به ساختار کشاورزی در مناطق یهودی نشین منطقه عربی به وزارتخانه جدید «زیر ساخت ملی» سپرده شد.

ژنرال شارون که در کابینه لیکود قبل از سال ۱۹۹۰ سمت وزیر دفاع را برعهده داشته است، به خاطر عملیات وحشیانه‌اش در لبنان شناخته شده است. او بعد از سال ۹۰ در کابینه سمت وزیر مسکن را داشته است و برانگیخته‌نده حرکت جدید شهرک‌سازی در مناطق عربی در این سالها بود. بعد از معرفی کابینه توسط نتان‌یا هو، فشار برای تحویل پست وزارت به شارون از طرف جناح افراطی‌تر لیکود که توسط وزیر امور خارجه لوی نمایندگی می‌شد، شدت گرفت.

روابط خود با کشورهای عرب و تعقیب سیاستی مستقل در قبال روندهای منطقه برآمده است.

مجموعه روندها و تحولات یاد شده جدی‌تر از آن است که اسرائیل بتواند با اتکا به حمایت آمریکا به فعال‌میشایی در منطقه بپردازد و صلحی غیرعادلانه و مبتنی بر زور و تداوم اشغالگری را به اعراب تحمیل کند. برخی چالش‌های هرچند خفیف در مناسبات واشنگتن و تل‌آویو و نیز پایان نگرستن بحران تکمیل کابینه در اسرائیل را شاید بتوان قسماً متأثر از همین روندها و تحولات ارزیابی کرد. گفتنی است

انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها مشغول‌اند نمی‌تواند به

مسائل صنفی خاصی هم‌چون بیمه و مسکن و تعاونی و طبقه‌بندی مشاغل و ... محدود شود. دفاع از آزادی اندیشه و بیان که ضرورت اولیه‌ی فعالیت این گروه‌هاست نیز وظیفه‌ی است که از اهداف خود در حیطه‌ی کشاکش‌های چنین تشکلهایی قرار می‌گیرد. به دیگر سخن هنگامی که تیغ سانسور بر سر هم‌وندان چنین تشکلی فرود می‌آید و پیرای آنها حس و تأدیب و شلاق و بیکاری در پی می‌آورد، نمی‌توان با این عنوان که تشکل خبرنگاران تشکلی صنفی است از پیگیری چنین مسائلی سرباز زد و مهر سکوت بر لب نهاد. آری، باید و می‌توان با تکیه بر تجارب ملی و بین‌المللی میان کارکردهای نهادهای مختلف جامعه‌ی مدنی (حتا در مرحله‌ی تکوینی آن) نیز تمایز قائل شد و با تأکید بر استقلال تشکل‌های صنفی و اجتماعی وظایف سیاسی و حزبی را به آنها تحمیل نمود، اما از دیدن و ادعان به این واقعیت نیز نباید رویگردان شد که تشکل‌های مربوط به کارگران عرصه‌ی اندیشه و فرهنگ در ملتقای حزب سیاسی و انجمن صنفی قرار می‌گیرد و آنجا که پای دفاع از آزادی اندیشه و گفتار و با گسترش این آزادی‌ها آن هم در جامعه‌ی استبدادزده‌ی هم‌چون جامعه‌ی ما در میان است خوانده‌خواه یکی از بازیگران اصلی صحنه‌اند.

باری دشواری‌های یاد شده در قیاس با سطح رشد و ارتقای روشنفکران و دست‌اندرکاران مطبوعات نمی‌تواند مانع برپایی تشکل‌های ویژه‌ی این نیروها شوند، شاید که تنها اینجا و آنجا زنجیرهایی بر دست و پای آنها فروبندند، لیکن تلاش همگانی نیروی اندیشه‌گر جامعه‌ی ما این زنجیرها را یک به یک خواهد گسست و سهم برجسته‌ی خود را در برپایی جامعه‌ی دموکراتیک فردا ایفا خواهد کرد. تشکل مستقل صنف روزنامه‌نگاران و خبرنگاران گامی در راه غلبه بر نابسامانی‌های متعدد جامعه‌ی ماست، گامی که در تداوم خود باید با عقب‌نشاندن بیشتر استبداد و شکستن حلقه‌های بیشتری از ساختار آن به ایجاد نظام مطبوعاتی کشور بیانجامد، نظامی که ضمن دفاع از حقوق وابستگان حرفه‌ی مطبوعات، خود (و نه مراجع حکومتی) به تخلفات آنها رسیدگی کند و با ارتقای کیفیت روزنامه‌نگاری کشور، مطبوعات را پیوسته به کارکردهای واقعی آنها و نزدیکی بیشترشان با مردم رهنمون شود.

پانویس‌ها:

۱- از صبا تا نیما اثر یحیا آری‌پور، جلد اول، ص ۲۳۵
۲- روزنامه‌ی سلام، ... و نیز اظهارات یکی از اعضای هیئت مدیره‌ی سندیکای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در گفتگو با بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه، ۷ ژوئن ۹۶.

اطلاعیه سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

پیرامون برگزاری کنگره دوم

کنگره دوم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، اوائل تیرماه جاری برگزار گردید. موضوعات در دستور این کنگره، ارزیابی و نقد عملکرد سازمان از کنگره وحدت تاکنون، بررسی اوضاع سیاسی و چشم‌انداز آن، بحث درباره خط مشی سازمان، بازبینی سیاست‌ها در زمینه اتحاد چپ، ائتلافها و برخورد با نیروهای اپوزیسیون بود. کنگره دوم سازمان از مجموعه اسنادی که ارائه شده بود، قطعه‌نامه‌های مربوط به «اوضاع سیاسی و چشم‌انداز آینده»، «وحدت چپ، سیاست‌های ائتلافی و برخورد با نیروهای اپوزیسیون» و «وظایف ما» و همچنین سندی تحت عنوان «خط مشی ما» را بعد از بحث و تدقیق و تغییراتی در هر مورد به تصویب رساند و با انتخاب کمیته مرکزی، به کار خود پایان داد. تلاش عمومی شرکت‌کنندگان در کنگره، صراحت بخشیدن هرچه بیشتر بر مواضع و سیاست‌های سازمان و تدقیق آنها بود. مشارکت فعال رفقای حاضر در کنگره در جریان تمامی مباحث، خود بیان عملی این واقعیت بود. با الهام از همین روحیه نیز، کنگره دوم سازمان تلاش نمود با ارزیابی از اوضاع سیاسی و چشم‌انداز آینده، مسیر تحولات در جامعه را دنبال نموده، متناسب با الزامات آن، اقدامات ضرور را در دستور کار سازمان قرار دهد. تاکید شرکت‌کنندگان در کنگره بر ضرورت ایجاد آلترناتیو دمکراتیک و

انقلابی برای تقویت مبارزه علیه جمهوری اسلامی، و از این نقطه نظر پیشبرد امر مبارزه برای اتحاد صفوف چپ و ائتلاف با نیروهای مبارز غیر چپ، بیانگر اهمیت چگونگی حضور ما در تحولات سیاسی آتی برای کل شرکت‌کنندگان در کنگره بود. کنگره دوم سازمان، با ارزیابی از چشم‌انداز رشد مبارزات توده‌ها، در عین تاکید بر اتحاد در صفوف چپ و دعوت از تمامی نیروها، شخصیت‌ها و فعالین چپ برای تحقق آن، همه نیروهای دمکرات، آزادیخواه و انقلابی را برای ایجاد زمینه‌های تشکیل چنین آلترناتیو فراخواند.

کنگره دوم سازمان همچنین با تصویب «خط مشی ما» تلاش کرد که بر چهره سازمان ما، بحث‌ها یک سازمان چپ، صراحت بیشتری ببخشد. کنگره دوم، گام مهمی در حیات سازمان ما و در پیشرفت و ارتقا فعالیت آن بود.

کنگره دوم، با یادی از شهدای جنبش چپ و انقلابی ایران و اعلام یک دقیقه سکوت بخاطر این جانب‌اختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی آغاز شد و یاد و خاطره شهیدا و ابراز همبستگی با آنان پایان یافت.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
۱۰ تیرماه ۱۳۷۵

افزایش درگیریها در کردستان

چندین تن از افراد رژیم کشته شدند. طبق خبر واصله دو تن از افراد سرشناس و از مسئولان نظامی رژیم (سرهنگ هوشنگ ورمقانی فرمانده گردان ویژه و سرهنگ رحمان مهربانی) در میان کشته‌شدگان بوده‌اند.

- در تاریخ ۱۱ / ۴ / ۱۳۷۵ در روستای نزدیک بانه دو تن از افراد رژیم اشتباها به میدان مین کاشته شده توسط نیروهای رژیم رفته و کشته شدند.

- در تاریخ ۱۱ / ۴ / ۱۳۷۵ در منطقه اشویه بین پیشمرگان کرد و پاسداران در نزدیکی آبادی «پوشاوی» و نیز در نزدیکی روستای «تاجیناوی»

دو مورد درگیری پیش آمد. - در تاریخ ۱۱ / ۴ / ۱۳۷۵ ارومیه توپخانه نیروی رژیم بدون هدف بمدت دو ساعت منطقه ترگور را گلوله‌باران کرد که در نتیجه این عمل ضد انسانی یک دختر زخمی شد و تلفات مالی بسیار بهار آمد.

- در روز ۱۶/۴/۱۳۷۵ پاسداران رژیم به یک تجمع مردم روستای «سویج» در منطقه بانه که توسط پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ترتیب داده شده بود، حمله کردند که به یک درگیری نیم‌ساعته منجر شد. بنا بر اطلاعیه حزب دمکرات به پیشمرگان این حزب تلفاتی وارد نیامد.

دیدار

در اردیبهشت‌ماه سال جاری دیداری مابین نمایندگان از شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب توده ایران صورت پذیرفت. در این دیدار پیرامون روابط فیمابین گفتگو شد و تصمیم گرفته شد که در زمینه‌های مورد توافق دو سازمان، همکاری عملی و اقدام مشترک صورت گیرد. این موارد از جمله عبارتند از: دفاع از زندانیان سیاسی، افشای موارد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی و تلاش برای جلب نهادهای بین‌المللی حقوق بشر، و نیز تصمیم گرفته شد در سالگشت فاجعه ملی کشتار هکسانی زندانیان سیاسی و برای بزرگداشت یاد آنان بسا همکاری دیگر نیروهای چپ و دموکراتیک اقدامات مشترک انجام یابد.

ضرورت اقدام متحد ملی و بین‌المللی

از سوی جامعه ایرانیان آزادیخواه «برلن» اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر شد. در این اعلامیه آمده است: استبداد حاکم بر ایران در تقابل با رشد جنبش آزادیخواهی در کشور، گام به مرحله تازه‌ای نهاده است. ارتجاعی‌ترین گرایش‌های رژیم جمهوری اسلامی که در جریان کشتارها و جناح‌بندی‌های مربوط به انتخابات دوره پنجم مجلس نتوانسته‌اند به قدرت انحصاری دست یابند، تلاش می‌کنند تا با تشدید سرکوب عمومی و ترور سازمان‌یافته فکری و فیزیکی اپوزیسیون، از هرگونه گشایش قضای سیاسی و فرهنگی در کشور جلوگیری کنند.

جامعه ایرانیان آزادیخواه «برلن» در ادامه اعلامیه خود ضمن برشمردن رویدادهای سیاسی و اقدامات حاکمیت در نقض حقوق بشر، نوشته است: «در چنین شرایط خطرناک و نگران‌کننده‌ای پراکندگی و ضعف جنبش دمکراتیک و مردمی در کشور و فقدان مقاومت هماهنگ و یکپارچه ملی و بین‌المللی علیه روند‌های حاکم، دست رژیم جمهوری اسلامی را باز گذارده است تا همچنان به نقض خشن حقوق شهروندان و اعمال تروریسم دولتی در داخل و خارج از کشور ادامه دهد.

بزرگداشت دکتر کریم سنجابی

مراسم نخستین سالگرد درگذشت دکتر کریم سنجابی (آخرین دبیر کل جبهه ملی ایران) روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه در مسجدی در خیابان سه‌رودی تهران برگزار شد. به گزارش دفتر خبرگزاری دبیرخانه حزب ملت ایران، در این مراسم عبدالکریم کنی، دکتر سعید ناطمی، حجت‌السلام ناقبی در بزرگداشت دکتر سنجابی و نقش او در جنبش ملی کردن صنعت نفت و انقلاب سخن گفتند. مراسم بزرگداشت

دکتر سنجابی به دنبال درج آگهی برگزاری آن با امضای اصغر سنجابی و علی اردلان در روزنامه اطلاعات انجام گرفت.

«حزب‌الله کرمانشاه» در ارتباط با سالگرد درگذشت دکتر سنجابی اعلامیه‌ای منتشر کرده و اعلام نمود «ما انصار حزب‌الله کرمانشاه به تمامی صاحبان و مسئولین مساجد، تکایا، خانقاه، تالارهای سوگواری و کلیه اماکن مقدس و عمومی به شدت هشدار می‌دهیم برپایی چنین

میتینگ تحت عنوان نام دکتر کریم خان آمریکایی «سنجابی» به شدت هرچه تمام‌تر دردم خواهیم کوفت تا طبق تکلیف شرعی خود، رگ حیات نسنجین‌شان را قطع کرده و خون حلال‌شان را جاری سازیم. پس از صاحبان و مسئولین اماکن و تالارها و جمیع اقشار امت شهید پرور کرمانشاه می‌خواهیم از شرکت خود و جوانان و بستگان خود در این کشتارگاه مشرکین به الله و رسول و یساعیان از ولایت جلوگیری به عمل آورند. الوعده وفا

تظاهرات علیه اعدامها در ایران

در روز ۱۶ تیرماه (۶ ژوئیه) قریب ۸۰ تن از ایرانیان آزادیخواه در اعتراض به اعدام احمد باختری در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در بن جمع کردند. این اعتراض به دعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن صورت گرفت و تظاهرکنندگان موارد نقض حقوق بشر در ایران همچون اعدام پنهانی نظامیان، اعدام درویش در همدان، سنگسار، ترور و... را افشا کردند.

جمعی از تظاهرکنندگان در حالی که چشمپاشان را با دستمال سفید بسته بودند، خود را به ستونهای پتونی مقابل سفارت طناب پیچ کردند. آنها تصاویر زندانیان سیاسی اعدام شده را بر سینه خود نصب کرده بودند. در پلاکاردهایی که مقابل دید رهگذران و خبرنگاران گرفته شده بود، ادامه چنایات جمهوری اسلامی بعنوان نشانه آشکار بی‌ثری سیاست «دیالوگ انتقادی» ذکر شده بود. شرکت کنندگان در تظاهرات به زبانهای فارسی و آلمانی علیه شکنجه و اعدام در ایران، علیه حکومت اسلامی و در افشای سفارتخانه به‌مثابه «تروریست‌خانه» شعار می‌دادند. در حین تظاهرات از طریق فاکس نامه‌ای برای سازمان ملل، پارلمان اروپا، پارلمان آلمان و دیگر محافل ذیربط ارسال شد. در این تظاهرات اعلامیه‌ای از سوی جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن منتشر شد که متن هم میهنان آزاده!

اعدام زندانیان سیاسی احمد باختری و نیز حداقل ۲ زندانی دیگر و نیز زندانیان سیاسی فقیهی، قادری، صابرنیا، باوند و نیز سرهنگ سوسن آبادی در چندماهه اخیر در ایران و نیز صف طولی دیگر زندانیان سیاسی و نیز نظامیان و افراد اقلیت‌های مذهبی و... که در انتظار اعدامند، وقوع دستگیری‌های تازه (به طور نمونه در تبریز از افراد اپوزیسیون و نیز افراد بهایی مذهب و در کرمانشاه در ۱۰ یونی ۹۶، ۲ عضو حزب ملت ایران به نامهای بختیاری و خسروشاهی، و نیز یا دستگیری باقی اعضای خانواده ایت‌الله شیرازی در قم) ترور دکتر مظلومان در فرانسه، اعدام علنی ۱۲ تن از درویش در همدان و سنگسار یک زن و مرد در ارومیه (یونی ۹۶)، حملات مکرر به زنان، نویسندگان، هنرمندان، دانشگاهها، سینماها، توقیف روزنامه‌ها و کتب حتی اسلامی و... (این لیست ناقص) همه و همه نشانگر جنگ اعلام تشده‌ای است که از سوی رژیم در میهن ما حتی در خارج، بر علیه تمامی اقشار و طبقات، زنان، اقلیت‌های مذهبی، نظامیان، زندانیان سیاسی، هنرمندان و نویسندگان و حتی افراد عادی و نیز پسنهاندگان سیاسی در جریان

کمکهای مالی

۲۰۰۰ کرون سوئد کمک مالی به نشریه باکد دنیا	۹۰ هزار ین ژاپن کمک مالی رفقای ژاپن به خانواده شهید
۱۰۰ دلار کمک مالی به نشریه به یاد شهید محمود زکی پور	۳۵ مارک کمک مالی علی صمد به خانواده شهید
۲۲۸ مارک کمک مالی تشکیلات نروژ به نشریه	۱۰۰ مارک کمک مالی میامک لندن به خانواده شهید
۲۰۰ کرون از دانمارک به یاد تقی قانع خشک بیچاره	۴۰۰۰ کرون سوئد کمک به خانواده شهید و زندانیان سیاسی باکد عباس آ
۵۰ مارک کمک مالی شباهنگ از آلمان	۲۵۰ مارک رفقای نروژ کمک به خانواده شهید
۵۸۵ مارک کمک مالی بابک - فرارا	

ناظران تعداد سربازان آمریکایی در منطقه خلیج فارس را بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر تخمین می‌زنند، که از فوریه سال ۹۱ در منطقه مستقر هستند. در سالیهای اخیر اعتراضات نسبت به حضور آمریکا و سیاست‌های استبدادی حاکمان عربستان شدت گرفته است. اکثر مساجد عربستان از «سیاست غیراخلاقی» حاکمان انتقاد می‌شود.

مدت‌ها است که اعلامیه‌ها و نوارهای ضد حکومتی به طور مخفیانه در سطح وسیع توسط گروههای مختلف اسلامی پخش می‌شود. در تعدادی از این اعلامیه‌ها مردم به سرنگونی حکومت دعوت می‌شوند.

انفجار بمب در پایگاه آمریکا

در عربستان

طبقه‌ای را کاملاً ویران کرد. سه گروه خود را مسئول این انفجار اعلام کردند؛ یکی «ببرهای خلیج» دیگری «جنگجویان خدا» و سومی «جبهه اسلامی برای تغییر» که قبلاً با ارسال فاکس برای مشاورین نظامی از آنها خواسته بود که تا آخر ژوئن «جزیره اسلام» را ترک کنند.

روز ۲۵ ژوئن انفجار ۲/۵ تن مواد منفجره در پایگاه هوایی آمریکا در عربستان باعث مرگ ۱۹ تن از ارتش آمریکا و زخمی شدن ۲۸۰ تن گردید. بعد از این انفجار، رهبری عربستان ۲/۶ میلیون دلار پاداش برای یافتن عاملین این انفجار تعیین کرد.

کلینتون هیشتی از اف.بی.آی را برای کمک کردن به دولت عربستان جهت یافتن مسببان انفجار به ریاض فرستاد و اظهار داشت جنایتکارانی که این عمل را انجام دادند نباید بی‌مجازات بمانند.

این بمب که درون تانکری در یک منطقه مسکونی ارتش آمریکا جاسازی شده بود، ساختمان هشت

<p>فرم درخواست اشتراک «کار»</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: ()</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یک سال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: _____</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس «کار» پست کنید!</p>		<p>بهای اشتراک «کار»</p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماه - ۴۵ مارک</p> <p>یک سال - ۹۰ مارک</p> <p>سایرکشورها:</p> <p>شش ماه - ۵۲ مارک</p> <p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER....3 DM</p>	<p>«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>دارنده حساب: I.G.e.v</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد بانک: 37050198</p> <p>Stadtsparkasse Koeln</p> <p>Germany</p> <p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290</p>
--	--	---	--

کنگره حزب کمونیست ویتنام

۹ درصد رشد سالانه از نتایج رفرم اقتصادی است

شکاف شدید و بی چیزان، رشد و رشوه خواری

در کشور مورد انتقاد کنگره قرار گرفت

هشتمین کنگره حزب کمونیست ویتنام در اواخر ماه ژوئن در هانوی برگزار شد. در این کنگره ۱۲۰۰ هیئت که ۲/۳ میلیون اعضای حزب را نمایندگی می‌کردند، شرکت داشتند. حزب کمونیست ویتنام از دهسال پیش رفرم اقتصادی را شروع کرد. در این مدت رشد اقتصادی ویتنام سالانه بطور متوسط ۹ درصد بود. در عرض دهسال ویتنام از کشور در معرض گرسنگی به «بیر کوچک» آسیا تبدیل شد و اکنون یکی از مهمترین صادرکنندگان برنج است.

در گزارش هیئت سیاسی گفته می‌شود که رفرمی که از ده سال پیش شروع شده باید هم چنان ادامه یابد و در ۵ سال آینده نیز رشد ۹ تا ۱۰ درصد تأمین شود. در این گزارش همچنین از پیامدهای منفی سیاست درهای باز صحبت می‌شود. که بار و حوضه سوسیالیسم سازگاری ندارد. از جمله فاصله شدید بین داراها و ندارها. در این گزارش همچنین به بحران ایدئولوژیکی در حزب و رشوه خواری

اشاره شده است و گفته می‌شود که باید به شک و تردید در مورد سوسیالیزم و رهبری سیاسی خاتمه داد. دیرکل ۷۹ ساله حزب «دوموی» که نقش میانجی بین دو جناح حزب، جناح طرفدار رفرم اقتصادی و جناح اصولگرا که مخالف سیاست اقتصادی و خصوصی کردن است دوباره در سمت خود ایفا شد. گفته می‌شود که فرد دیگری که عملاً بتواند چنین نقشی را بین دو جناح حزب ایفا کند وجود ندارد.

مشاور اقتصادی رهبری حزب می‌گوید رفرم اقتصادی در ویتنام بازگشت ناپذیر است و این کاملاً عادی است که در جریان خصوصی شدن برخی زودتر ثروتمند می‌شوند. بسیاری از اعضا حزب در این کنگره از وضعیت داخلی حزب و ضعف ایدئولوژیکی اعضا شکایت داشتند و فاصله طبقاتی ایجاد شده در جامعه و رشد رشوه خواری را از عوامل منفی اجرای رفرم می‌دانستند.



دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در روسیه پایان گرفت.

در این انتخابات یلتسین با ۵۸ درصد آرا به پیروزی رسید.

زیگانف ۳۴ درصد آرا را بدست

کنفرانس سران هفت کشور صنعتی

هفته گذشته سران هفت کشور صنعتی جهان آمریکا، کانادا، ژاپن، انگلیس، ایتالیا، فرانسه، آلمان در لیون فرانسه گرد هم آمدند. سران این کشورها، وزرای امور خارجه، مالی و اقتصاد همراهی می‌شدند. برخی از هیئت‌های نمایندگی از چندصد نفر تشکیل می‌شد. در قسمت مشاوره سیاسی این کنفرانس هیئت از روسیه زیر نظر چرنومیردین با حقوق مساوی با دیگران شرکت داشت. دستور کار این کنفرانس از جمله در مورد بیکاری، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مافیا و مبارزه با تروریسم بود.

از مسائل مورد بحث اقتصادی در این کنفرانس رسیدن به توافق به منظور فروش ۵۵ درصد از ذخیره طلای صندوق بین‌المللی پول - ۱۶۰ تن - به ارزش یک میلیارد دلار برای تأمین وام به کشورهای فقیر بود. این پیشنهاد که توسط کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و کانادا حمایت می‌شد با مخالفت شدید آلمان روبرو شد. آلمان معتقد بود که بازارهای جهانی ظرفیت پذیرش ۳۰ تا ۴۰ تن سزاد طلای عرضه شده را نخواهد داشت. در سال ۹۵ کلاً ۲۵۲۷ تن طلا به بازار عرضه شد که ۱۸۹۰ تن آن از معادن

تأمین شد. در قطعنامه سیاسی کنفرانس، سران هفت کشور و روسیه از جمهوری اسلامی خواستند که از حمایت گروههای تروریستی دست بردارد و نقش سازنده‌ای در رویدادهای جهان بازی کند. و از همه کشورها خواستند که از هرگونه همکاری با ایران که منجر به دستیابی این کشور به سلاحهای هسته‌ای شود، خودداری کنند.

همزمان با برگزاری این کنفرانس تظاهرات اعتراضی توسط سندیکاها با شعار «اشتغال برای همه» برپا شد. در این تظاهرات بیش از ۵۰ هزار نفر شرکت داشتند. در عین حال اجتماع اعتراضی به نام «هفت مقاومت» از طرف خبرنگاران، حقوقدانان و سندیکالیست‌های کشورهای جهان سوم در لیون برگزار شد. شعار اجتماع این بود که هفت کشور ثروتمند نمی‌توانند به تنهایی در مورد سرنوشت جهان معامله کنند و آنها خواستار دخالت سران شرکت‌کنندگان در کنفرانس لیون به نفع حقوق بشر در جهان، علیه جنگ و به نفع تقسیم عادلانه ثروت در جهان شدند.

اربکان رهبر حزب رفاه اسلامی

نخست وزیر ترکیه شد

ارتش ترکیه با حمله به احزاب چپ ممنوعیت آنها را زمینه سازی می‌کند

اربکان برنامه دولت خود را بر مبنای احترام به

«دموکراسی و سکولاریزم» اعلام کرد

ترکیها و کردها از یک ملیت هستند و مسئله ایجاد شده کار تروریست‌هاست.

حمله به احزاب سیاسی

کنگره «حزب کار خلق» ترکیه در اواخر ماه ژوئن برگزار شد. در پایان این گردهمایی که ۳۰ هزار نفر شرکت داشتند، ارتش ترکیه با بهانه «اجتماع خائنین» و بالا رفتن پرچم پ. کا. کا. به این گردهمایی حمله برد و وحشیانه به افراد حاضر حمله کرد و بسیاری را زخمی نمود. در این حمله دبیر اول حزب و هیئت رهبری که بتازگی انتخاب شده بود، دستگیر شدند. دادستانی ترکیه اعلام کرد که بدلیل «جدائی طلبی» و «عضویت در یک سازمان جنایتکارانه» محاکمه خواهند شد. این اتهامات در دادگاههای ترکیه مجازات مرگ دارد. پلیس آنگاه به دفتر حزب حمله برد و تمامی مدارک موجود را ضبط کرد. در این حمله یک نفر زخمی شد. هیئتی از نمایندگان که بعد از پایان کنگره به منطقه خود در شرق آناتولی باز می‌گشت، توسط پلیس مورد تیراندازی قرار گرفتند و ۳ نفر زخمی شدند.

اربکان در مصاحبه با هفته‌نامه «اشیگل» در مورد احزاب دیگر گفت که آنها هیچ هویت و کاراگری از خود ندارند، فقط مقلد غرب هستند و اشکال دیگر آنها، برنامه اقتصادی سرمایه‌داری آنهاست که از این طریق فقط یک کشور کوچکی سود می‌برند. اربکان در مورد حجاب در این مصاحبه می‌گوید که حجاب اجباری نیست فقط ما می‌خواهیم که زنان ما که علاقمندند حجاب داشته باشند، حق داشته باشند که در ادارات کار کنند و در دانشگاهها تحصیل کنند. اربکان در مورد این مسئله که از ۱۵۴ نماینده این حزب حتی یک نماینده زن نیز وجود ندارد می‌گوید که حزب ما هنوز آمادگی آن را ندارد. اربکان تأکید می‌کند که او موافق قانون اساسی ترکیه و طرفدار سیستم چند حزب و دموکراسی و لائسیسم به معنای آزادی مذهب می‌باشد. او در مورد آنتاتورک می‌گوید که او باعث استقلال و صنعتی شدن ترکیه بود. او کشور را به پیش برد بدون آنکه اقتصاد را ورشکسته کند - آنتاتورک در عین حال در مسجد عبادت می‌کرد. آنتاتورک اگر زنده بود عضو حزب رفاه بود.

اربکان در مورد مسئله کردها معتقد است که کردها و ترکیها مسلمانند و مشکلی ندارند. فقط تروریستها باعث خرابکاری می‌شوند. البته قبلاً نیز چیلر و مسعود یلماز معتقد بودند که

روندها و تحولات جدید در خاور میانه

صدام حسین با حافظ اسد دیدار کرد

تمایل ایران و مصر به احیای مناسبات سیاسی خود

دو هفته پیش زمانی که یکی از جراید عربی از ملاقات غیرمنتظره میان حافظ اسد و صدام حسین رؤسای جمهوری سوریه و عراق خبر داد، بسیاری ناباورانه از کنار آن گذشتند و آن را نوعی جنجال برای افزایش تیراژ نشریه مزبور خود ارزیابی کردند. اما تأیید این دیدار از سوی فاروق‌الشعب، وزیر خارجه سوریه، در اواخر هفته گذشته، از روندهای جدید و شتابانی در منطقه حکایت دارد که برخی از آنها همین شش ماه پیش ناممکن می‌نمودند.

احزاب بعث حاکم بر سوریه و عراق از دو دهه پیش در دشمنی و ستیز با یکدیگر بوده‌اند، به ویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق و حمایت حافظ اسد از تهران دشمنی بین دو کشور مزبور شدت بیشتری یافت و در هنگامه جنگ آمریکا علیه عراق که نیروهای سوری برای حمایت از نیروهای متحدین در برابر بغداد به عربستان اعزام شدند، این دشمنی به اوج خود رسید. پس از شکست عراق در آن جنگ، سوریه با وارد شدن به پیمان موسوم به ۶ + ۲ به اتحادی نظامی با مصر و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس پیوست که هدفش قبل از همه مهار عراق بود. بدینسان تا همین اواخر روابط میان دو کشور خصمانه‌تر از آن بود که حتی دیدار مقامات دون پایه دو کشور نیز عادی تلقی شود. با این همه برخی مسائل و منافع مشترک و پارادهای روندهای سیاسی اخیر در منطقه از چنان وزنی برخوردار بوده‌اند که چرخش عادی غیرمنتظره‌ای را در روابط این دو کشور همسایه ممکن ساخته‌اند. سوریه و عراق هر دو به لحاظ تأمین آب خود تا حدود زیادی به آب رود فرات وابسته‌اند. سدسازی‌های عظیم ترکیه بر روی این رود که به کاهش جریان آب آن به سوی سوریه و عراق می‌انجامد و قسماً با هدف سیاسی صورت می‌گیرد، باعث شد که مقامات مسئول هر دو کشور چندی پیش برای اتخاذ مواضع مشترک در قبال آن کار و زیر فشار نهادن رهبران ترکیه با هم دیدار کنند. دیدار حافظ اسد و صدام حسین اما نه بر سر چگونگی برخورد با ترکیه بر سر مسئله آب، بلکه در رابطه با محورهای مهم تری به وقوع پیوسته است.

ترکیه که دیرزمانی در مناسبات میان اعراب و اسرائیل، جانب یطرفی را رعایت می‌کرد و حتی قسماً اتحاد با اعراب را سیاست خود ساخته بود، در پی پایان‌گیری جنگ سرد و برآمد برخی روندهای جدید، از این سیاست فاصله گرفت و در ماه فوریه گذشته با اسرائیل یک پیمان نظامی امضا کرد. اقدامی که به ویژه حساسیت کشورهای همسایه ترکیه از جمله عراق و سوریه را برانگیخت و آنها را به کاهش خصومت میان خویش و نزدیکی بیشتر بر علیه محور آنکارا - تل‌آویو ترغیب کرد.

علاوه بر آن، با شکست حزب کارگر در اسرائیل و به قدرت رسیدن حزب لیکود که با سیاست صلح در برابر زمین مخالف است و روند صلح در خاورمیانه را در معرض شکست قرار داده، کشورهای عربی دوباره خود را در معرض خطر جدی از سوی اسرائیل حس می‌کنند و تداوم روند صلح را جز با همکاری و اتحاد خویش و اعمال فشار بر دولت جدید اسرائیل میسر نمی‌دانند. در همین راستا جنبه‌گیری‌ها و دسته‌بندی‌ها میان کشورهای عربی نیز دستخوش تحول

انفجار بمب در پایگاه آمریکا در عربستان سعودی

در صفحه ۱۰

بایروری جناح افراطی بحران در کابینه اسرائیل پایان گرفت

در صفحه ۹